

# اعتصاب در شهرهای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی

صفحه ۱۱



## کار مزدی و سرمایه:

۵- رشد سرمایه مولد چگونه بر دستمزدها تأثیر می گذارد؟  
از کارل مارکس مترجم: کاظم نیکخواه، صفحه ۳

۲۵ شهریور سالگرد انقلاب، یک روز پر از اعتراض در زندان، در کردستان و از سوی بازنشستگان  
و بخش های مختلف مردم صفحه ۱۲

## انقلاب زن زندگی آزادی در آستانه دومین سالگرد

مصاحبه با حمید تقوائی - صفحه ۲

دلسوزی فریکارانه برای مهاجرین افغانستانی - مهران محبی صفحه ۷

تجمعات معلمان بازنشسته و شاغل و نامین اجتماعی در کرمانشاه صفحه ۱۰

ادامه اعتصاب ۴۵۰۰ کارگر لاستیک بارز و تجمع کارگران نفت پالایشگاه ششم صفحه ۱۱

تجمعات بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر، صفحه ۱۰

۱۹ شهریور: اعتراضات کارگران رسمی نفت در مراکز مختلف نفت و گاز صفحه ۱۴

بیانیه ی مشترک بمناسبت دومین سالگرد طلوع انقلاب زن، زندگی، آزادی صفحه ۱۳

ششمین هفته اعتصاب کارگران ارکان ثالث پالایشگاههای گاز پارس جنوبی صفحه ۱۴

تجمع معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و بازنشستگان مخابرات صفحه ۱۶

تجمع اعتراضی کارگران پایانه ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر، پتروشیمی ارغوان گستر و کارگران  
رسمی در مناطق نفتخیز و ملی حفاری صفحه ۱۶

## مدیای اجتماعی

صفحات ۱۵-۱۷

# کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۴۸۹

۲۶ شهریور ۱۴۰۳

۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

## هشدار و پیام اعتراض روشن

مردم به حکومت

شهلا دانشفر، صفحه ۵

## در دو سالگی عظمت انقلاب

زن زندگی آزادی

یاشار سهندی - صفحه ۶

## کارگران در هفته ای که

گذشت

تنظیم کننده کارگر

کمونیست، صفحه ۹

## از خوزستان خبر میرسد

صفحه ۸

## اعتراضات گسترده کارگران

رسمی نفت

صفحه ۱۲

## اعتراضات کارگران رسمی

نفت ابعاد جدیدی به خود

میگیرد صفحه ۱۲

## انقلاب زن زندگی آزادی در آستانه دومین سالگرد

مصاحبه با حمید تقوایی

آذر پویا: در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی هستیم. دو سال پیش با مرگ مهسا ژینا امینی در بازداشتگاه گشت ارشاد جمهوری اسلامی موج جدیدی از اعتراضات در شهرهای مختلف ایران و همچنین تظاهرات‌های ده‌ها هزارنفره در کشورهای مختلف در سراسر دنیا بر پا شد. اکنون بعد از دو سال شاهد کم‌شدن موج این اعتراضات و تظاهراتها در داخل و خارج کشور هستیم. به نظر شما آیا جمهوری اسلامی توانسته این انقلاب را سرکوب کند و مردم را مرعوب کرده به خانه‌هایشان برگرداند؟

حمید تقوایی: جمهوری اسلامی همه امکانات جهنمی‌اش را برای درهم‌کوبیدن انقلاب بکار گرفت اما نتوانست آن را سرکوب کند. انقلاب زن زندگی آزادی گرچه از نظر تظاهرات‌ها و برآمد خیابانی در مقایسه با ماه‌های اول انقلاب فروکش کرده است؛ اما در شکل یک جنبش توده‌ای سرنگونی‌طلبانه همچنان ادامه دارد. پیشروی‌های جنبش بی‌حجابی، تجمعات گسترده و مداوم بازنشستگان، اعتصاب پرستاران، اعتصابات و اعتراضات کارگران نفت و پتروشیمی، اعتراض و اعتصاب مستمر زندانیان سیاسی و غیرسیاسی در سه‌شنبه‌های اعتراض، اعتراضات خانواده‌های دادخواه، و غیره و غیره نشانه زنده‌بودن و فعال و پویا بودن جنبش انقلابی زن زندگی آزادی است. این اعتراضات و اعتصابات و جنبش‌های اعتراضی از طرح مطالبات صنفی و مدنی فراتر رفته و اهداف و شعارهایی عمومی و فراگیری علیه فقر و فساد، برای آزادی زندانیان سیاسی، در حمایت از خانواده‌های دادخواه و سایر عرصه‌های مبارزاتی مطرح می‌کنند و در واقع شاخه‌های مختلف جنبش انقلابی زن زندگی آزادی علیه کل حکومت محسوب می‌شوند. این جنبش‌ها و اعتراضات زمینه‌های عروج مجدد خیابانی و توده‌ای انقلاب در سطحی گسترده‌تر و پیگیرتر از گذشته را فراهم می‌کنند. ما هم اکنون شاهد انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌های تعرضی و کوبنده‌ای از جانب نهادها و فعالین این جنبش‌ها به مناسبت دومین سالگرد انقلاب هستیم و این می‌تواند نقطه اوجی در سیر جنبش انقلابی جاری باشد.

آذر پویا: شما به اعتصابات و اعتراضات خیابانی اقشار مختلف جامعه اشاره کردید. به نظر شما چطور می‌شود این اعتراضات را به هم وصل کرده، همگانی کرد و انقلاب دیگری از جنس انقلاب مهسا ولی این بار سراسری‌تر و عمومی‌تر را رقم زد؟  
حمید تقوایی: انقلاب زن زندگی آزادی دستاوردهای ارزنده‌ای دارد که باید برای پیشروی بیشتر بر آنها متکی شد. مهم‌ترین این دستاوردها شکل‌گیری و سر برآوردن جمع‌ها و تشکل‌ها و نهادها و شبکه‌ها و شوراهای اعتراضی بسیاری است که در دل



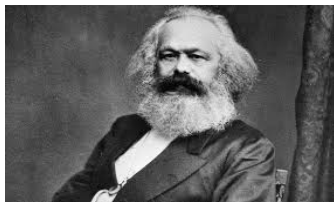
انقلاب شکل‌گرفته‌اند و در سطوح مختلف، از سازماندهی تجمعات خیابانی تا اعتصابات و از شعارنویسی بر درودیوارهای شهرها تا انتشار بیانیه‌ها و فراخوان‌های مبارزاتی به مناسبت‌های مختلف و از فعالیت گسترده و مداوم در مדיای اجتماعی تا سازماندهی کارزارهای متعددی در داخل و خارج کشور فعال هستند. برای اوج‌گیری مجدد انقلاب باید این تشکل‌ها در سطح هرچه گسترده‌تری هماهنگ و همراه شوند و این اتحاد و هماهنگی اساساً حول یک خط و سیاست رادیکال و پیگیر و سازش‌ناپذیر و با اتکا بر آرمان‌های عمیقاً انسانی انقلاب که در شعار زن زندگی آزادی متجلی است امکان‌پذیر است. فی‌الحال اسناد ارزنده‌ای مثل منشور ۱۲ ماده‌ای بیست تشکل که در سال اول انقلاب منتشر شد و حمایت گسترده‌ای را به دنبال داشت خط و سیاست رادیکال را مطرح کرده است که می‌تواند مبنای همراهی و هماهنگی نهادها و چهره‌های انقلابی باشد. اولین گام شکل‌دهی یک هماهنگی و اتحاد گسترده بین فعالین و نهادهای مبارزاتی حمایت هم‌صدا و یکپارچه از اعتراضات و اعتصابات جاری است.

در خارج کشور فی‌الحال گام‌های مهمی در این جهت برداشته شده که یک نمونه موفق آن کارزار جهانی نه به اعدام در ایران است. تشکل‌ها و فعالین انقلاب زن زندگی آزادی در بسیاری از کشورها در این کارزار گرد هم آمده‌اند و نمونه موفق از همکاری عملی را به نمایش گذاشته‌اند. این نمونه می‌تواند نه تنها در خارج کشور بلکه در خود ایران نیز بسط پیدا کند و تکثیر بشود.

حزب ما می‌کوشد تا با تمام امکانات خود عامل هماهنگی و تشریک‌مساعی همه نهادها و فعالین انقلاب در داخل و خارج کشور حول یک خط و سیاست رادیکال و پیگیر باشد. امیدوارم که سایر احزاب و تشکل‌های انقلابی نیز همین سیاست را در پیش بگیرند. جنبش انقلابی زن زندگی آزادی زنده و پویانده است و می‌تواند از طریق هماهنگی و اتحاد گسترده فعالینش در سطح سازمان‌یافته‌تر و گسترده‌تر و عمیق‌تری از گذشته سر بلند کند و تا درهم‌کوبیدن حکومت و نظام موجود به پیش برود.

مندرج در ژورنال شماره ۸۳۳





## کار مزدی و سرمایه:

### ۵- رشد سرمایه مولد چگونه بر دستمزدها تأثیر می گذارد؟

از کارل مارکس مترجم: کاظم نیکخواه

کمتر از هزینه تولید جدید آن کاهش می یابد. بنابراین سرمایه داران در روابط متقابل خود، خود را در همان وضعیتی می بینند که قبل از به کارگیری ابزار تازه تولید قرار داشتند. و اگر با این وسایل امکان عرضه دو برابر کالا با قیمت قدیمی را داشته باشند، اکنون مجبورند دو برابر کالا را با قیمتی کمتر از قیمت قبلی ارائه دهند. با رسیدن به نقطه جدید، یعنی به هزینه جدید تولید، نبرد برای برتری در بازار باید از نو آغاز شود. تقسیم کار بیشتر و ماشین آلات بیشتر، نتیجه اش باز هم میزان بیشتری از تقسیم کار و ماشین آلات مورد بهره برداری خواهد بود. و باز رقابت همان واکنش را در برابر این نتیجه به بار می آورد.

#### تأثیر رقابت سرمایه داری بر طبقه سرمایه دار طبقه متوسط و طبقه کارگر

بنابراین می بینیم که چگونه روش تولید و ابزار تولید دائماً گسترده تر می شود، متحول می شود، چگونه تقسیم کار لزوماً به دنبال خود تقسیم کار بیشتر، استفاده از ماشین آلات به کارگیری ماشین آلات بیشتر، و کار در ابعاد وسیع، کار در ابعاد وسیع تر را دنبال خواهد آورد. این قانونی است که پیوسته تولید سرمایه داری را از مسیرهای کهنه اش بیرون می کشد و سرمایه را وادار می کند تا به همان دلایلی که قبلاً نیروهای کار را زیر فشار قرار داده، بیش از پیش آنها را زیر فشار قرار دهد. قانونی که به او مهلت نمی دهد و مدام در گوشش فریاد می زند. به پیش! به پیش! این قانون چیز دیگری نیست جز همان که از طریق نوسانات ادواری تجارت، به ناگزیر قیمت یک کالا را با هزینه تولید آن منطبق می کند. مهم نیست که ابزار تولیدی که یک سرمایه دار ممکن است به کار گیرد چقدر قدرتمند باشد، رقابت، به کارگیری آنرا عمومی خواهد کرد. و از لحظه ای که به طور کلی به کار گرفته شد، تنها نتیجه بهره وری بیشتر سرمایه او این خواهد بود که باید با همان قیمت، ۱۰، ۲۰، ۱۰۰ برابر قبل، تجهیزات به کار گیرد. اما از آنجایی که او باید بازاری شاید، ۱۰۰۰ برابر بیشتر از قبل پیدا کند تا بتواند با میزان فروش بیشتر، فروش به قیمت کمتر را جبران کند، از آنجا که در حال حاضر فروش بیشتر نه تنها برای کسب سود بیشتر، بلکه برای جایگزینی بهای تمام شده تولید ضروری است، (همانطور که مشاهده کردیم ابزار تولید مدام گرانتر می شود) و از آنجایی که این فروش گسترده تر نه تنها برای او، بلکه برای رقبای او نیز مسئله مرگ و زندگی است، بنابراین مبارزه قبلی باید دوباره آغاز شود، و هر چه ابزار تولید اختراع شده قدرتمندتر باشد، این جنگ خشونت آمیز تر است.

بنابراین تقسیم کار و بکارگیری ماشین آلات بازم در مقیاسی عظیم تر آغاز می شود. قدرت ابزارهای تولیدی که به کار می روند هر چه باشد، رقابت می خواهد با کاهش دادن قیمت کالاها تا سطح قیمت تمام شده، میوه های طلایی این قدرت را از سرمایه سلب کند. به همان میزانی که در آن تولید ارزان می شود - یعنی به همان اندازه ای که می توان با یک مقدار نیروی کار مقدار بیشتری تولید کرد - یک قانون غیر قابل مقاومت، ارزان شدن بیشتر تولید، و فروش مقادیر هر چه بیشتر با قیمت های کمتر را الزامی می سازد. بنابراین سرمایه دار با تلاش های خود چیزی جز الزام ارائه محصولات بیشتر در همان زمان کار قبلی، در یک کلام، جز شرایط سخت تر برای به کارگیری سودآور سرمایه اش را به دست نخواهد آورد.

بنابراین، در حالی که رقابت، از طریق قانون هزینه تولید دائماً سرمایه دار را تعقیب می کند و هر سلاخی را که علیه رقبای خود می سازد، به سوی خود او بر

اگر سرمایه مولد جامعه بورژوازی بطور کلی رشد کند، انباشت کار به صورت همه جانبه تری صورت می گیرد. سرمایه های فردی از نظر تعداد و بزرگی افزایش می یابد. افزایش شمار سرمایه های فردی رقابت میان سرمایه داران را گسترش میدهد. بزرگی روزافزون سرمایه ها ابزارهایی برای هدایت ارتش های قدرتمندتر کارگران با ابزارهای جنگی عظیم تر در میدان نبرد صنعتی فراهم می آورد. یک سرمایه دار میتواند با ارزان فروشی سرمایه داران دیگری را از میدان بیرون کند و سرمایه اش را از بین ببرد. برای اینکه ارزان تر بفروشد بدون اینکه خودش را نابود کند، باید ارزان تر تولید کند - یعنی تا آنجا که ممکن است نیروهای مولد کار را افزایش دهد. اما نیروهای مولد کار بیش از هر چیز با تقسیم کار بیشتر و با ارائه و بهبود مداوم ماشین آلات افزایش می یابد. هر چه ارتش کارگرانی که کار بین آنها تقسیم می شود بزرگتر باشد، هر چه ماشین آلات بر اساس مقیاس غول آسازتری به کار گرفته شود، به همان نسبت هزینه تولید کاهش بیشتری می یابد، و کار پر بارتر می شود. و بنابراین در میان سرمایه داران یک رقابت جهانی برای افزایش تقسیم کار و استفاده از ماشین آلات در وسیع ترین مقیاس ممکن به جریان می افتد. حال اگر با تقسیم کار بیشتر، با به کارگیری و بهبود ماشین های جدید، با بهره برداری مفیدتر از نیروهای طبیعت در مقیاس بزرگتر، یک سرمایه دار به نسبت رقبای خود ابزاری برای تولید بیشتر با همان میزان کار قبلی (خواه کار مستقیم یا کار انباشته شده) را پیدا کند، اگر مثلاً در همان زمان کاری که رقبای او نیم یارد کتان آماده میکنند بتواند یک یارد تولید کند - این سرمایه دار چه خواهد کرد؟ او می تواند به فروش نیم یاردی کتان به قیمت قبلی بازار ادامه دهد. اما این تأثیری در بیرون راندن مخالفان او از میدان و گسترش بازار خودش نخواهد داشت. ولی او به همان اندازه ای که قدرت تولیدش گسترش یافته، نیازش به بازار بیشتر شده است. ابزار تولیدی قدرتمندتر و پرهزینه تر که او به وجود آورده است، درست است که او را قادر می سازد اجناس خود را ارزان تر بفروشد، اما در عین حال او را مجبور می کند که اجناس بیشتری بفروشد، تا کنترل بازار بسیار بزرگتری را برای کالاهایش در دست بگیرد. در نتیجه، این سرمایه دار نیم یارد کتان خود را ارزان تر از رقبای خود خواهد فروخت. اما سرمایه دار تمام یک یارد پارچه را به ارزانی و به قیمت نیم یارد که رقبای او می فروشند، نخواهد فروخت. اگر چه تولید کل یک یارد برای او بیشتر از تولید نیم یارد برای دیگران هزینه در بر نداشته است. چون در غیر این صورت، او هیچ سود اضافی ای نخواهد داشت و در ازای آن فقط هزینه تولید را بازپس می گیرد، ممکن است از بکارگیری سرمایه بزرگتر درآمد بیشتری کسب کند، اما سود بیشتری از سرمایه خود نسبت به دیگران کسب نخواهد کرد. علاوه بر این، اگر قیمت کالاها خود را تنها درصد کمی کمتر از رقبای خود قیمت گذاری کند، به هدف مورد نظر خود دست می یابد. او آنها را از میدان بیرون می کند، با ارزان فروشی حداقل بخشی از بازارشان را از آنها می گیرد. و در نهایت به یاد داشته باشیم که قیمت موجود همیشه بسته به اینکه فروش یک کالا در دوره مطلوب یا دوره نامطلوب صنعتی صورت گیرد، بالاتر یا پایین تر از قیمت تمام شده خواهد بود. همانطور که قیمت بازار یک یارد کتان بالاتر یا پایین تر از هزینه تولید قبلی آن خواهد بود، درصد بالاتری که سرمایه دار با استفاده از ابزارهای جدید پر بارتر تولید استفاده کرده، به دست خواهد آورد متفاوت خواهد بود. اما امتیاز سرمایه دار ما زیاد دوام نخواهد آورد. سایر رقبای سرمایه دار نیز همان (نوع) ماشین ها، و همان تقسیم کار را در مقیاسی مشابه یا حتی بزرگتر به کار خواهند گرفت. در نهایت این به کارگیری آفتدر سراسری می شود که قیمت کتان نه تنها به زیر قیمت قدیمی خود، بلکه حتی





آنها فقط میگویند که ابزار جدیدی برای اشتغال سایر بخش‌های طبقه کارگر به عنوان مثال، برای آن بخش از نسل جوان کارگران که در شرف ورود به شاخه‌های صنعتی ای هستند که تازه منسوخ شده، پیدا خواهد شد. البته این برای کارگران معلول باعث رضایت بزرگی است. برای آقایان سرمایه داران، خون و عضله قابل استثمار تازه کم نخواهد بود، (از نظر)

سرمایه داران مردگان می‌توانند مردگان خود را دفن کنند. به نظر می‌رسد این تسلاهای بیشتر برای آسودگی خود سرمایه داران است تا کارگران آنها. اگر قرار بود کل طبقه کارگر مزدی توسط ماشین آلات نابود شود، چقدر برای سرمایه وحشتناک بود چرا که سرمایه بدون کار مزدی دیگر سرمایه نیست! اما حتی اگر فرض کنیم که همه کسانی که مستقیماً توسط ماشین‌آلات مجبور به ترک شغل می‌شوند، و همچنین همه نسل‌های در حال رشدی که منتظر فرصتی برای اشتغال در همان شاخه صنعت بودند، واقعاً شغل جدیدی پیدا می‌کنند - آیا فکر می‌کنید که این استخدام جدید به اندازه کاری که از دست داده اند، دستمزد بالایی می‌دهد؟ اگر چنین می‌شد، با قوانین اقتصاد سیاسی در تضاد بود. ما دیده‌ایم که چگونه صنعت مدرن همیشه به جایگزینی مشاغل ساده‌تر و فرعی‌تر به جای مشاغل بالاتر و پیچیده‌تر تمایل دارد. پس چگونه توده‌ای از کارگران که توسط ماشین‌آلات از یک شاخه صنعت بیرون رانده شده‌اند، می‌توانند به شاخه‌ای دیگر پناه ببرند، مگر اینکه حقوق کمتری دریافت کنند؟ استثنایی که برای این قانون ذکر می‌کنند کارگرانی هستند که در ساخت ماشین آلات به کار گرفته می‌شوند. گفته می‌شود به محض اینکه در صنعت تقاضا برای ماشین آلات و مصرف بیشتر شود، تعداد ماشین آلات لزوماً باید افزایش یابد. در نتیجه، همچنین ساخت ماشین آلات؛ و در نتیجه، استخدام کارگران در ماشین سازی، و کارگران شاغل در این شاخه از صنعت کارگران ماهر و حتی تحصیلکرده هستند. از سال ۱۸۴۰، این ادعا، که حتی قبل از آن تاریخ نیز تنها نیمی از واقعیت بود، تمام شباهتش به حقیقت را از دست داده است. زیرا امروزه متنوع‌ترین ماشین‌ها برای ساخت خود ماشین‌ها در مقیاسی کاملاً گسترده مانند تولید نخ پنبه مورد استفاده قرار می‌گیرند، و کارگران شاغل در کارخانه‌های ماشین‌سازی می‌توانند نقش ماشین‌های بسیار احمقانه را در کنار ماشین‌های بسیار هوشمندانه ایفا کنند. ماشین آلات اما به جای مردی که توسط ماشین اخراج شده است، کارخانه ممکن است سه کودک و یک زن را استخدام کند! و آیا قبلاً مزد این مرد کفاف سه کودک و یک زن را نمی‌داده است؟ آیا حداقل دستمزد برای حفظ و تداوم نژاد نباید کافی باشد؟ پس این عبارات مورد علاقه بورژوازی چه چیزی را ثابت می‌کند؟ اینها چیزی بیشتر از این را (ثابت نمی‌کنند) جز اینکه که در حال حاضر زندگی کارگران چهار برابر بیشتر از گذشته برای تامین معاش یک خانواده کارگری صرف می‌شود. به طور خلاصه: هر چه سرمایه مولد بیشتر رشد کند، تقسیم کار و کاربرد ماشین آلات را بیشتر گسترش می‌دهد. هر چه تقسیم کار و استفاده از ماشین آلات بیشتر شود، رقابت بین کارگران بیشتر می‌شود، و دستمزد آنها با هم کاهش می‌یابد.

علاوه بر این از لایه‌های بالاتر جامعه به صفوف کارگران رانده می‌شوند. توده‌ای از کسبه کوچک و افرادی که بر اساس سود سرمایه‌هایشان زندگی می‌کنند به صفوف طبقه‌ی کارگر نزول می‌کنند، و کاری جز دراز کردن دست خود در کنار بازوان کارگران نخواهند داشت. بنابراین جنگل دست‌های دراز شده، که برای کار گدایی می‌کنند، روز به روز ضخیم‌تر می‌شود، و خود دست‌ها هر چه لاغرتر می‌گردد. تولیدکننده

از صفحه ۳

## کار مزدی و سرمایه...

میگرداند، سرمایه دار پیوسته با گسترش خستگی ناپذیر تقسیم کار بیشتر و به کارگیری ماشین‌های جدیدتر، که گرچه گرانتر تمام می‌شود به او امکان می‌دهد که به جای اینکه صبر کند تا ماشینها در رقابت منسوخ شوند، تلاش می‌کند هرچه بیشتر در رقابت (پول) به دست آورد. حال اگر این تحرک تب‌آلود را آنگونه که در بازار کل جهان عمل می‌کند به تصور در آوریم، در موقعیتی خواهیم بود که بفهمیم چگونه رشد، انباشت و تمرکز سرمایه، تقسیم کار در جزئیات بیشتر، بهبود بیشتر ماشین‌های کهنه و استفاده دائم از ماشین‌های جدید را به دنبال خود می‌آورد - فرآیندی که بدون وقفه، با شتابزدگی تب‌آلود و به غول‌آسائین میزان جریان می‌یابد.

اما این شرایط که از رشد سرمایه مولد جدایی ناپذیرند، چه تاثیری بر تعیین دستمزد دارند؟ تقسیم کار بیشتر یک کارگر را قادر می‌سازد تا کار پنج، ۱۰ یا ۲۰ کارگر را انجام دهد. بنابراین رقابت بین کارگران را پنج، ده برابر یا بیست برابر افزایش می‌دهد. کارگران نه تنها با ارزان‌تر فروختن خود یکی بیش از دیگری، بلکه هر کدام با انجام کار ۵، ۱۰ یا ۲۰ نفر با هم رقابت می‌کنند. و مجبورند با تقسیم کار که توسط سرمایه ارائه می‌شود و مدام بهبود می‌یابد، رقابت کنند. علاوه بر این، به همان میزانی که تقسیم کار افزایش می‌یابد، کار ساده می‌شود. مهارت خاص کارگر بی ارزش می‌شود. او به یک نیروی تولیدی ساده و یکنواخت بدون انعطاف فیزیکی و ذهنی تبدیل می‌شود. کار او برای همه قابل دسترس می‌شود. بنابراین رقبا از همه طرف بر او فشار می‌آورند. علاوه بر این، باید به خاطر داشت که هر چه کار ساده‌تر، آسان‌تر آموخته شود، هزینه تولید آن هم کمتر است. هزینه‌های خرید آن کمتر می‌شود و دستمزدها به عنوان قیمت باید کمتر شود. زیرا مانند قیمت هر کالای دیگری، دستمزدها توسط هزینه تولید تعیین می‌شوند.

بنابراین، به همان ترتیبی که کار کمتر رضایت بخش و بیشتر کسالت آور می‌شود، رقابت افزایش می‌یابد و دستمزد کاهش می‌یابد. کارگر در پی آن است که با انجام کار بیشتر، حال یا از طریق ساعات بیشتری کار کردن، یا با انجام مقدار کارهای بیشتری در همان ساعات، مجموع دستمزد قبلی خود برای یک زمان معین را حفظ کند. از این رو، او خود از سر ناچاری با خواست خود، تأثیرات فاجعه بار تقسیم کار را چند برابر می‌کند. نتیجه این است که: هر چه او بیشتر کار کند، دستمزد کمتری دریافت می‌کند. و به همین دلیل ساده: هر چه بیشتر کار کند، بیشتر با همکارانش رقابت می‌کند، و بیشتر آنها را وادار می‌کند تا با او رقابت کنند و خود را در همان شرایط اسفناکی که او قرار دارد عرضه کنند. به طوری که در آخرین تحلیل، او به عنوان عضوی از طبقه کارگر با خود رقابت می‌کند.

ماشین آلات همین تأثیرات را در مقیاسهای عظیم تری ایجاد می‌کنند. آنها کارگران ماهر را به جای کارگران غیر ماهر، مردان را با زنان، بزرگسالان را با کودکان جایگزین می‌کنند، و در جاهایی که به تازگی به کار گرفته شده اند، توده‌های بزرگ کارگران را به خیابان‌ها پرتاب می‌کنند. و با تکامل بیشتر و امکان تولید بیشتر نیز همچنان، آنها را، گرچه در ابعاد کوچکتری، بیکار می‌کنند.

ما جنگ صنعتی سرمایه داران در میان خودشان را عجالتاً ترسیم کردیم. این جنگ این خصوصیت ویژه را دارد که پیروزی در آن نه با سر بازگیری بیشتر بلکه با مرخص کردن ارتش کارگران بدست می‌آید. ژنرال‌ها (سرمایه داران) با یکدیگر رقابت می‌کنند که چه کسی می‌تواند بیشترین تعداد سربازان صنعتی را مرخص کند. اقتصاددانان به ما می‌گویند، مطمئناً آن دسته از کارگرانی که توسط ماشین آلات زائد شده اند، مکان‌های دیگری برای کار پیدا می‌کنند. آنها جرات ندارند مستقیماً ادعا کنند که همان کارگرانی که اخراج شده اند در شاخه‌های جدید کار موقعیت‌هایی پیدا می‌کنند. حقایق در برابر این دروغ با صدای بلند فریاد می‌زنند. به بیان دقیق،

## هشدار و پیام اعتراض روشن مردم به حکومت

شهلا دانشفر



و همه جانباختگان انقلاب به اسم رمز انقلاب و تداوم آن تبدیل شده است.  
مندرج در ژورنال شماره ۸۳۶

روز گذشته ۲۵ شهریور در شهرهای مختلف کردستان به مناسبت گرامیداشت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و سالروز قتل حکومتی مهسا امینی (ژینا) این نماد انقلاب بدست حکومتیان، اعتصاب عمومی و گسترده برپا شد و رویداد سیاسی مهمی در تداوم انقلاب رقم خورد. در این روز مغازه داران و کسبه شهرهای مختلف کردستان با اعتصاب عمومی که فراخوانش از سوی چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و نیز "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" و نهادهای مختلف مدنی و تعدادی از خانواده های دادخواه داده شده بودند، مغازه هایشان را بستند و بدینگونه تداوم انقلاب را فریاد زدند.

ضمن اینکه روز گذشته همچنان آینه روشنی از تداوم اعتراض بر سر معیشت و علیه فقر و فساد حاکم بود و بازنشستگان در شهرهای مختلف با فریاد اتحاد، علیه فقر و فساد همچنان بلندگوی رسای اعتراض کل جامعه بودند.

اعتصاب عمومی در کردستان در کنار اعتصاب و اعتراض شجاعانه بند زنان اوین با فریاد شعارهای اعتراضی شان، در کنار دیوارهای رنگین با شعارهای اعتراضی مردمی در تمام شهرها و بیانیه های پرشور اعتراضی از سوی بخشهای مختلف جامعه، پیام روشن تداوم انقلاب برای سرنگونی حکومت اسلامی است. پیام مردمی که فریاد میزنند: ایستاده ایم تا پایان.

امجد امینی پدر مهسا امینی در استوری اینستاگرامش با گفتن اینکه امیداریم که هیچ خانواده ای را در مرگ عزیزانشان سوگوار نبینیم از اعتصاب عمومی و حمایت گسترده مردم در شهرهای مختلف کردستان قدردانی کرد و این حرکت درخشان اعتراضی را "هشدار و پیام اعتراض روشن مردم به جمهوری اسلامی" خواند.

امجد امینی صدای رسای همه دادخواهان است. او با قتل دخترش بدست حکومتیان گفت: "ژینا تو نمی میری، نامت رمز می شود" و چنین شد و امروز نام ژینا

## کار مزدی و سرمایه...

از صفحه ۴

حتی اگر تنها به این دلیل باشد که با همان اندازه ای که در آن انبوه محصولات و بنابراین نیاز به بازارهای وسیع افزایش می یابد، به همان اندازه بازار جهانی کوچکتر می شود. بازارهای هر لحظه کمتری باقی مانده است که مورد بهره برداری قرار گیرند، زیرا هر بحران قبلی بازاری را که تاکنون تسخیر نشده یا به طور سطحی استفاده شده بود، به تسخیر تجارت جهانی در آورده است.

اما سرمایه نه تنها با کار زندگی می کند، در لحظه هیجان و وحشی شدن نیز مانند ارباب اشرافی، اجساد بردگان خود را با خود به گور می برد، کارگرانی که در شمار زیاد در بحران ها نابود می شوند. بنابراین می بینیم که اگر سرمایه به سرعت رشد کند، رقابت در میان کارگران با سرعت بیشتری رشد می کند - یعنی ابزار اشتغال و امرار معاش طبقه کارگر با سرعت بیشتری کاهش می یابد. اما، با وجود این "رشد سریع سرمایه، مساعدترین شرط برای کار مزدی است."

کوچک بدیهی است که نمی تواند در مبارزه ای که اولین شرط موفقیت در آن تولید در مقیاسی بزرگتر است دوام بیاورد. بنابراین وضعیت تولیدکنندگان کوچک و در نتیجه افزایش تعداد نامزدهای پرولتار شدن روشن است - اینها نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

در نهایت، در همان مقیاسی که در آن، سرمایه داران از طریق حرکتی که در بالا توضیح داده شد، مجبور می شوند تا از ابزارهای تولید غولپیکر موجود در مقیاسی روزافزون استفاده کنند و برای این منظور، تمام منابع اصلی اعتباری خود را به جریان بیندازند، به همان اندازه زلزله های صنعتی را افزایش می دهند که در میان آن ها، دنیای تجاری تنها با قربانی کردن بخشی از ثروت، محصولات و حتی نیروهای تولیدی اش در پای خدایان دنیای زمینی، می تواند خود را نگه دارد - بحران ها دائمی تر می شوند، خشونت بارتر می شوند،

# زن زندگی آزادی!



سربازان گمنام دو طرف، و اینکه با شلیک یک موشک از این سو به آن سو کلی تحول در جامعه رخ میدهد؛ واقعیت گویای این است که در دو سال گذشته انقلاب زن زندگی آزادی موجبات "رشد وسیع همبستگی و اتحاد اجتماعی و گرایشات مدرن و انسانی و

برابری طلبی در میان مردم شده است. و ضدیت وسیع با نهادها و سنتهای مذهبی و تعصبات قومی و عقب مانده، گویای پیشروی و تقابل بارز مردم در برابر حکومت و کل سنتها و سیستم حاکم" شده است. انقلاب مهمترین تحول اجتماعی است که توده های وسیع مردم در آن نقش اساسی بازی میکنند، و انقلاب زن زندگی آزادی این امر را به زیبایی تمام انعکاس داده است، وقتی که شور زندگی اساس این انقلاب را تشکیل میدهد. موش کور انقلاب کار خودش را کرده است، نه بواسطه نیرنگ عقل بلکه بخاطر اینکه در جامعه ایران جنبش های اجتماعی با شدت و حدت کم و زیاد در جریان بوده است، و اینکه کمونیسم در ایران، کمونیسم کارگری، متکی بر همین جنبش ها به مبارزه وسیع نظری علیه نظریات حاکم از سوی طبقه حاکم پرداخته است و اینگونه جنبش های اجتماعی به این پشتوانه نظری قوی زمین را زیر پای طبقه حاکم داغ کرده است و اتفاقا این یکی از دلایل قوی بوده که سبب گردیده است شعله جنگ ارتجاعی منطقه ای بالا نکشد. که جامعه ایران جامعه ای منفعلی نیست و در 45 سال مبارزه سخت و پر هزینه با یکی از وحشی ترین حکومت های سرمایه داری جهان آبدیده شده است. انقلاب زن زندگی آزادی انعکاسی از همین واقعیت است.

انقلاب زن زندگی آزادی نمی تواند ادامه نیابد، چون هنوز مهمترین کارش یعنی سرنگونی حکومت اسلامی به سرانجام نرسیده است. چون هنوز همه دلایلی که باعث شکل گیری آن شد به قوت خود باقی است. بلکه آن دلایل، نبود کامل یک زندگی انسانی، دیکتاتور بسیار خشن، تبعیض های همه جانبه، گسترش فقر، عمق و شدت بیشتری یافته است.

زن زندگی آزادی، نه فقط انقلابی سیاسی علیه یک حکومت تبهکار، بلکه بخاطر "برای" هایی که برای همه طلب میکند یک انقلاب اجتماعی وسیع است. در انقلابات عصر ما که انقلابی علیه نظام تولیدی سرمایه داری "پیکار برای نان"، از "پیکار برای آزادی" جدا نیست، این دو عرصه متفاوت از مبارزه علیه سرمایه داری نیست. وقتی در بطن انقلاب زن زندگی آزادی، شعار داده میشود: "فقر، فساد، گرونی میریم تا سرنگونی"، در عین حال بلند و قوی فریاد زده میشود: "بگو!" و بلندتر و قوی تر جواب داده میشود: "آزادی آزادی آزادی"، بخوبی گواه این است رهایی انسان دو مرحله ای نیست. عصر ما، عصر انقلابات متفاوت نیست، جواب نظام حاکم سرمایه داری یک نوع انقلاب است، انقلابی که تحول اجتماعی را به دو عرصه متفاوت نان و آزادی تقسیم نمی کند، که گویا اولی عمیق تر از دومی است، یا دومی پیش نیاز اولی است. انقلاب عصر ما تحقق این هر دو را به یکسان هدف خودش قرار میدهد. قرار نیست که "انقلاب دموکراتیک (پیکار برای آزادی) رخ دهد که گویا زمینه عمیق تر شدن تضادهای طبقاتی را فراهم میآورد و در نتیجه انقلاب سوسیالیستی (پیکار برای نان) شکل بگیرد". تضادهای طبقاتی در ایران با وجود حاکمیت اسلامی سرمایه، در همه زمینه های اجتماعی اقتصادی و فرهنگی و هر چیزی که به زندگی بشر امروزی مرتبط است، چنان آشکار و عیان شده اند که هیچ راهی به جز انقلاب جلوروی جامعه باقی نمانده است. انقلاب زن زندگی آزادی جوابی به این نیاز است. تمام عظمت این انقلاب در اینجا نهفته است که جهان را به استقبال از آن کشاند، چون جوابی است به نیاز جهانی برای رهایی از نظام ستمگرانه حاکم بر جهان که نفس حیات روی کره زمین را تهدید میکند...

## در دو سالگی عظمت انقلاب زن زندگی آزادی

### یاشار سهندی

دو سال پیش، ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱ با قتل مهسا - ژینا امینی در مقابل چشمان کل جامعه، شعله های اعتراضی از اعماق ایران جامعه بر کشید، که عظمت آن نمی توانست در مرزهای جغرافیایی ایران محصور بماند و به سرعت جهانی شد.

برای اولین بار در تاریخ، نه مفسرین و اندیشمندان، جامعه شناسان و محققان تاریخ، که بعد از تحولات معینی، درست یا غلط، با متر و معیارهای خاص خود نامی بر یک تحولی میگذارند و بر چند و چون آن بحث میکنند، بلکه این بار در همان بطن اعتراضات اولیه، توده های مردمی که به این اعتراضات جان بخشیده بودند در کف خیابان گفتند: "این اعتراض نیست نامش انقلاب است."

"زن زندگی آزادی"، نامی بود که این انقلاب به خود گرفت. نامی که انعکاس دهنده عمق اعتراض یک جامعه معین نه صرفا علیه "دیکتاتور لجوج و کینه جو"، بلکه علیه دیکتاتوری طبقاتی حاکم که با همیاری ارتجاعی ترین نیروی ممکن، یعنی مذهب زندگی را با کشتن آزادی و حاکمیت مطلق تبعیض به توده مردم تباہ ساخته، یعنی علیه دیکتاتوری عصر ما، دیکتاتوری سرمایه داری است.

در تمامی چهار دهه گذشته کم نبودند اعتراضاتی علیه حکومت اسلامی که هر کدام به وقت خود ضربه محکمی بر پیکره حکومتی وارد آوردند. اما هر کدام به دلایل محدودیت خاص خود نتوانستند و نمی توانستند، این چنین که انقلاب زن زندگی آزادی، که به پشتوانه و تجربه همان مبارزات، جامعه را شخم زد و تاثیر عمیق بر جامعه گذاشته است، تاثیرات زیرو و روکننده داشته باشند.

بعد از دو سال سرکوب بی امان انقلاب زن زندگی آزادی که ادامه سرکوب بی نهایت خشن چهار دهه اخیر بوده است، بر دیوارهای شهر اما این شعار نقش بسته است که "زن زندگی آزادی ادامه دارد...؟"؛ و انعکاس آنرا در فتح سنگر حجاب این خاکریز اول حکومت و مبارزه مداوم و وقفه ناپذیر زنان و مبارزه برای خلاصی فرهنگی، در اعتصاب با شکوه پرستاران، اعتراضات گسترده کارگران نفت و بازنشستگان و بخش های مختلف کارگری و در جنبش قدرتمند علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی میتوان مشاهده کرد.

انقلاب زن زندگی آزادی در دو ساله اخیر به نوعی به پالایش درونی خود پرداخته است. که ثمره آن اینگونه خود را نشان داده است که همه کسانی که در تلاش بیهوده ای، سعی داشتند این انقلاب را به خیزشی برای "پوشش اختیاری" تقلیل دهند، به شکست کشاند. و همه کسانی که واهمه دارند زن زندگی آزادی را به زبان جاری سازند که مبدا صف شان به صف دیگران قاطی شود، و مرزهای "پیکار برای آزادی" و "پیکار برای نان" مخدوش شود را به بن بست کشاند. دسته اول امیدشان را به ترامپ و ناتانیا، بمب افکن اف 35 است، که شاید بتوانند یکبار دیگر مردم را از "انقلاب کردن"، این بار با جلیپاره درفش کاویانی پشیمان سازند و دسته دوم هنوز برخی شان تازه یادشان آمده شعار زن زندگی آزادی شعاری شور انگیز است و اتفاقا علیه ناسیونالیسم است! بیاد بیاوریم که این شعار را مخدوش کننده صف طبقاتی میدانستند به وقتی که در اثر فشار انقلاب دولتمردان غربی مجبور شدند آنرا به زبان جاری سازند. برخی دیگر از همین دسته دوم، اکنون همچون حکیمی فرزانه با تقلیل "آموزه های مارکس" به "آموزه های هگلی" مانند حاکمیت عقل بر جهان، از "نیرنگ عقل" می گویند که ظاهرا عقل همه چیز را به کام خودکامان ترتیب میدهد. اما خبر ندارند که خود باعث عمق بخشیدن به تحولات میشوند؛ و موش کور انقلاب کار خودش را میکند.

اگر اسیر جو حاکم رسانه های بورژوازی نشویم که در دو سال گذشته گویا تحول مهمی رخ نداده جز رویارویی جمهوری اسلامی و اسراییل و جنگ میان نیروهای





## دلسوزی فریبکارانه برای مهاجرین افغانستانی

مهران محبی

ضدیت حکومتی طی ده‌ها سال با مهاجرین افغانستانی که از فقر و نداری و گرسنگی و از تجاوز و وحشیگری باندهای تروریستی، ضد انسانی، ضد زن و ضد کودک اسلامی طالبان و القاعده و غیره به ایران گریخته‌اند، برای هر انسان بالغی که از نزدیک شاهد شرایط زندگی فلاکت‌بار مهاجرین افغانستانی در ایران بوده و برای هر انسانی از هر گوشه جهان که تصاویری از نحوه برخورد های حکومتی با این انسانهای بی پناه را مشاهده کرده باشد، یک واقعیت اثبات شده و یک تصویر حک شده بر حافظه است. تصویری که با هر بار شنیدن واژگان "مهاجر و افغانستانی در ایران" ظاهر می‌شود.

مهاجرین افغانستانی همیشه برای جمهوری اسلامی قربانیان و سوژه تبلیغات و جوسازی برای شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت بیکاری و گرانی و ناامنی در جامعه بوده‌اند. هر زمان اعتراضات اجتماعی به بیکاری و گرانی شکل گرفته، رژیم این توده انسان‌های مستأصل و تحت شدیدترین ستمهای اجتماعی را عامل و علت کمبودها و مشکلات معرفی کرده و تلاش کرده است تا با تحریک احساسات قوم پرستانه و نژادپرستانه شکاف و تفرقه میان کارگر و زحمتکش ایرانی با مهاجر افغانستانی ایجاد کند و گاهی هم موفق بوده است.

تصویری که حکومت سعی کرده است از مهاجرین افغانستانی در ذهن و افکار عمومی بسازد، خطرناک بودن، خشونت طلبی و دزد و غیره بودن است که غیرقانونی وارد شده و امنیت و اشتغال را به مخاطره انداخته‌اند و متأسفانه علی‌رغم تلاشهای آگاه‌گرانه و حمایت‌های تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی و بخش‌های پیشرو جامعه، همیشه افرادی به دام تبلیغات و سیاستهای نژادپرستانه حکومتی و دیگر دستجات راست و ناسیونالیست عظیمت طلب آریائی افتاده و دست به خشونت علیه مهاجرین افغانستانی زده‌اند.

کم‌نموده‌اند خشونت‌های گروهی علیه مهاجرین افغانستانی مانند نمونه حمله تیر ماه سال جاری مردم به خانه‌های افغانستانی‌های مقیم شیراز که تحت تأثیر تبلیغات و جوسازی‌های حکومتی و نژادپرستان خارج حکومتی به وقوع پیوست.

افغانستانی ستیزی یک سیاست رسمی و فاشیستی جمهوری اسلامی است و بر اساس آن به مهاجر افغانستانی هیچ‌گونه حقوق شهروندی داده نمی‌شود. این انسانهای رنج‌دیده و زحمتکش حق تردد و اقامت در بسیاری از شهرهای ایران را ندارند. فرزندان شان از حق تحصیل محرومند و فرزندان که حاصل ازدواج زن ایرانی و مرد افغانستانی هستند، فاقد شناسنامه و بی‌هویت می‌مانند. مجاز به کار در هر کارگاه و کارخانه‌ای نیستند و فقط می‌توانند به کارهای سختی مانند کار در کوره‌های آجرپزی و مرغداری‌ها و دامداری‌ها و یا تخلیه فاضلاب موقت گری (کندن چاه) با کمترین دستمزد مشغول شوند. حتی مجاز به خرید نان و مواد غذایی از هر نانوائی و فروشگاه‌های نیستند و با محدودیت‌های ضد انسانی دیگری مواجهند. و این فقط بخشی از ضدیت‌ها و اعمال غیر انسانی حکومت علیه مهاجرین افغانستانی است که سعی کرده با استفاده از تحریک احساسات قوم پرستانه و در دام انداختن جمع‌ها و گروه‌های محلی در برخی مناطق و شهرها پوششی اجتماعی و خودجوش به آن بدهد.

بخش دیگر و اساسی تعرضات به مهاجرین افغانستانی مستقیماً توسط دستگاه‌های حکومتی و مزدوران آن انجام می‌گیرد. خشونت‌های حکومتی هر روزه جمهوری اسلامی علیه این انسانهای تحت ستم به روش‌های گوناگون اعمال می‌گردند. از ضرب و شتم وحشیانه گرفته تا باجگیری و زورگیری و اخراج و به زور راندن

مهاجرین به آنسوی مرزها، جزو برخوردهای روزمره رژیم اسلامی با آنان هستند. ضرب و شتم پسرپچه دارای معلولیت شونائی افغانستانی توسط پلیس تهران در مرداد ماه گذشته در حالیکه پلیس وحشی زانو روی گردنش گذاشته بود و گفته می‌شود در نتیجه این برخورد ضد انسانی و وحشیانه، آن پسرپچه دچار شوک شده و وضعیت اش وخیم است، از متأخرترین برخوردهای غیر انسانی حکومتی با مهاجرین افغانستانی هستند.

و در چنین اوضاعی که حکومت برای مهاجرین افغانستانی در ایران رقم زده است، علم الهدا آیت الله کثیف و سردرسته دزدان آستان قدس رضوی و نماینده خامنه‌ای در خراسان رضوی از مردم می‌خواهد تا افغانستانی‌ها را به خانه‌های خودشان ببرند و می‌گوید که آنها مهمانان ما هستند و به دنبال آن هر آخوندی به منبر می‌رود، از این اراجیف فریبکارانه را بر زبان می‌آورد.

مسلم است که صحبت‌های علم الهدا و دیگر آخوندها در حمایت از مهاجرین افغانستانی، فریبکارانه و در خدمت ایجاد فضای افغانستانی ستیزی در جامعه هستند. حکومت می‌داند که مردم متنفذ و خواهان سرنگونی اش هستند و در مقابل هر چیزی هستند که به هر دلیلی مورد حمایت آن است. سران حکومت می‌دانند که مردم متنفذ از تروریست پروری جمهوری اسلامی و تروریستهای وابسته به آن از جمله لشکر فاطمیون متشکل از مزدوران افغانستانی هستند و این حمایت‌ها و دلسوزی‌های فریبکارانه از مهاجرین افغانستانی می‌تواند فضائی از ضدیت و تحریک نژادپرستی علیه مهاجرین در جامعه ایجاد کند.

جمهوری اسلامی می‌خواهد با سوار شدن بر جو نفرت عمومی علیه خودش پروژه افغانستانی ستیزی خود را به پیش ببرد و در این راه جریان‌ات راست و شبکه‌های فارسی زبان وابسته آنها نیز با پخش ویدئوهائی از حضور مزدوران فاطمیون در مراسمات حکومتی همسو شده‌اند.

ما مردمی که از ستم و جنایات جمهوری اسلامی به تنگ آمده و می‌خواهیم آن را با انقلاب خود سرنگون کنیم و به همه تبعیضات و نابرابری‌ها پایان دهیم و دنیائی را بسازیم که نه قوم و نژاد و رنگ و مذهب، بلکه انسان بنیان و اساس آن باشد، نباید به سران جنایتکار حکومت و جریان‌ات راست و نژادپرست اجازه هیچ‌گونه سؤاستفاده برای تحریک قوم پرستی علیه مهاجرین افغانستانی دهیم. باید هر طرح فریبکارانه‌ای را افشاء و خنثی کنیم. نه جمهوری اسلامی و نه راستها و عظمت طلبان آریائی کمترین احساس انساندوستی‌ای نسبت به مهاجرین افغانستانی ندارند. راستها با باز نشر و بازپخش ویدئوهای مربوط به حضور اعضای لشکر تروریست فاطمیون می‌خواهند به جامعه القاء کنند که مهاجرین هم از همان جنس و در خدمت جمهوری اسلامی هستند و پروژه افغانستانی ستیزی حکومت را تکمیل می‌کنند.

وظیفه ما مردم است که حساب کارگران و زحمتکشان افغانستانی در ایران را از تروریست‌های فاطمیون وابسته به جمهوری اسلامی جدا بدانیم و از حقوق برابر مهاجرین افغانستانی با دیگر شهروندان دفاع کنیم.



- راهپیمایی بازنشستگان شرکت مخابرات در اهواز در ادامه اعتراضات هفتگی و سراسری این بازداشتگان در اعتراض به فقر و گرانی و چپاولگریهای سهامداران عمده در برابر شرکت مخابرات استان خوزستان تجمع کردند.

#### یکشنبه ۱۸ شهریور

- بازنشستگان تامین اجتماعی در شهر شوش و اهواز برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند. بازنشستگان در شوش از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند. بازنشستگان شعار میدادند: "شریفه محمدی آزاد باید گردد"، "پرستار زحمتکش حمایت می کنیم"، و "مجلس سرسپرده گرانی رو آورده". در آخر نیز بازنشستگان با سردادن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی، جان فدا میکنیم در ره آزادی" اعتراضشان را علیه بساط فقر و بردگی حاکم فریاد زدند.

- جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد برای شرکت در تجمع اعتراضی مقابل وزارت کار از اهواز به تهران رفتند. در این روز تجمع بزرگی با شرکت بازنشستگان از شهرهای مختلف برگزار شد. تجمع کنندگان شعار میدادند: "وزیر بیا پایین"، "فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن".

- کشاورزان در دزفول با تراکتور و ادوات کشاورزی مقابل درب بخشداری «چغامیش دزفول» در اعتراض به ندادن سهمیه گازوئیل و وضع بد معیشتی خود تجمع کردند.

#### شنبه ۱۷ شهریور

مالباختگان شرکت کلاهبردار «نیوساد گستر ایرانیان» (مجموعه تجاری گلباران)، در برابر دادسرای دزفول با فریاد «مسئول بی کفایت! استعفا!» تجمع کرده و خواستار برکناری «مهدی آماده»، «داستان دزفول» که با کلاهبرداری این شرکت همدمت است، شدند. شرکت «نیوساد گستر ایرانیان»، پول مردم را با وعده ی پرداخت سود گرفته و اکنون نه تنها سودی نمی دهد، بلکه اصل سرمایه ی مردم را نیز بالا کشیده است!

#### جمعه ۱۶ شهریور

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران: بنا بر اخبار منتشر شده علیرضا مرداسی، معلم و متهم سیاسی علیرغم گذشت نزدیک به یک سال از زمان دستگیری، کماکان به صورت بلاتکلیف در زندان شیپان اهواز بسر می برد. او دچار مشکلات جسمانی بوده و از دریافت رسیدگی مناسب پزشکی محروم مانده است. علیرضا مرداسی قبل بابت اتهامات افساد فی الارض و بغی مورد تهمین اتهام قرار گرفته، اما تاکنون دادگاهی برای او تشکیل نشده است.

واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری  
۹ شهریور ۱۴۰۳، ۲۳ اوت ۲۰۲۴.

## از خوزستان خبر میرسد؟

۱۶ تا ۲۳ شهریور ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان  
حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-Communist Party of Iran

در دومین سالگرد انقلاب یاد مهسا امینی (ژینا) این نماد انقلاب زن زندگی آزادی و همه جانباختگان را گرامی میداریم.

#### جمعه ۲۳ شهریور

- مختار البوشکه، زندانی سیاسی در زندان شیپان اهواز از درمان محروم است. محرومیت زندانیان سیاسی از درمان بخشی از شکنجه های جنایتکارانه حکومت علیه زندانیان است.

#### پنجشنبه ۲۲ شهریور

- دانشگاه علوم پزشکی اهواز در نامه ای محرمانه یکی از پرستاران خود را اخراج کرد. اخراجها و تهدیدات امنیتی یک موضوع اعتراضات سراسری پرستاران است. حمایت از پرستاران وسیع است. یک شعار بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش حمایت از پرستاران است.

#### چهارشنبه ۲۱ شهریور

- نجات انورحمیدی، از معلمان آموزش و پرورش و زندانی سیاسی که در حال سپری کردن دوران محکومیت ۱۵ ساله ی حبس خود به تهمات تبلیغ علیه نظام در زندان سپیدار اهواز است. او ۶۸ سال دارد و اهل آبادان است و به گزارش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران زندانی سیاسی، او در اسفند ۹۷ برای اجرای حکم ۱۵ سال حبس به زندان سپیدار اهواز منتقل شد. وی در طول دوران حبس حتی یک روز مرخصی استعلاجی هم نداشته است. نجات انور حمیدی از اختلال در عملکرد تیروئید، فشار خون، چربی خون و سردرد مزمن رنج می برد. او همچنین از ناحیه هر دو چشم دچار آب مروارید است و به دلیل عدم رسیدگی دچار خونریزی هم شده است. شکنجه دارویی یعنی عدم دسترسی زندانیان به خدمات پزشکی از شکنجه های سیستماتیک حکومت برای آزار و اذیت زندانیان است که با هدف مرعوب ساختن زندانیان انجام می شود.

- جوانان منطقه ی غیزانیه در نزدیکی منطقه پتروشیمی ماهشهر و مناطق نفت خیز اطراف اهواز در اعتراض به بیکاری و عدم استخدام در شرکت نفت مارون تجمع کردند. بیکاری جوانان در این مناطق علیرغم وجود تاسیسات و پروژه های نفت و گاز و پتروشیمی، بیداد می کند

#### سه شنبه ۲۰ شهریور

- امان جلالی نژاد از معلمان معترض در زندان شیپان اهواز؛ محروم از درمان دارو بسر میرد. او در تاریخ ۲۰ فروردین ۱۴۰۳ در ورودی اهواز توسط ماموران امنیتی بازداشت شد.

#### دوشنبه ۱۹ شهریور

- ۹ کارگر از حدود ۲۵ کارگر اخراجی فولاد اهواز که در پی اعتراضات قدرتمند کارگران در سال گذشته در این مجتمع کارگری که با راهپیمایی های اعتراضی آنان خیابانهای اهواز به تکان در آمده بود، اخراج شده بودند، سرکار بازگشتند.



## کارگران در هفته ای که گذشت - تنظیم کننده کارگر کمونیست



### - دوشنبه ۲۶ شهریور:

- جمعیت بزرگی از معلمان بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. این معلمان در اعتراض به اجرایی نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت و خلف وعده های داده شده برای چندین بار است که در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع می کنند و پیگیر مطالباتشان می شوند. این معلمان برای ۲۷ شهریور نیز تجمع خواهند داشت.

- بازنشستگان مخابرات نیز همچون دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، اصفهان، مریوان، سنندج، اهواز، بیجار برگزار شدند.

- کارگران پایانه ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامها مطابق با شرکتهای همجوار، عدم پرداخت پروکارت، کسر مبالغ پاداش های بهره وری، عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، مشکلات در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت اضافه کاریها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو وعدم پرداخت هزینه تور مسافرت و سرانه ورزشی دست به تجمع زدند.

- کارگران رسمی شرکت پالایش گاز فجر جم در بوشهر و نفت و گاز پارس عسلویه، در اعتراض به قراردادهای و کسورات خود تجمع برگزار کردند.

- رسول بدائی معلم زندانی که از اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۱ در زندان اوین محبوس است برای مرخصی یک هفته ای آزاد شد. رسول بدائی و دیگر معلمان زندانی باید بدون قید و شرط آزاد و پرونده امنیتی او مسدود گردد.

### یکشنبه ۲۵ شهریور:

- به مناسبت سالروز انقلاب زن زندگی آزادی و قتل حکومتی مهسا امینی مردم شهرهای سراسر کردستان به فراخوان چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و نیز به فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»، نهادهای مختلف مدتی و حقوق بشری و تعدادی از خانواده های دادخواه دست به اعتصاب عمومی و یکپارچه زدند. بدینگونه مردم عزم خود را برای تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی اعلام داشتند.

- ۳۴ تن از زنان زندانی سیاسی در بند زنان اوین در گرامیداشت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و کشته شدن مهسا (ژینا) امینی اعتصاب غذا کردند. شب قبلش نیز ۲۵ نفر از این زندانیان در حیاط بند زنان اوین تجمع کردند و با آویختن شعارهای اعتراضی به دیوارهای زندان و فریاد شعار و سرود خوانی در راهرو ها سالگرد انقلاب را گرامی داشتند.

- گروهی از کارگران بیکار شده در پروژه پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در اعتراض به اخراجها و عدم تمدید قراردادهای آنها توسط پیمانکاران دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان تامین اجتماعی بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در شهرهای اهواز، کرمانشاه و تهران و بازنشستگان فولاد در اصفهان و اهواز و قائمشهر تجمع کرده و با فریاد اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد پیگیر مطالباتشان شدند.

- آتش نشانان در زنجان در اعتراض به عدم دریافت دیگر مطالبات و سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی مقابل استانداری تجمع کردند.

- کارگر بازنشسته، اسماعیل گرامی بار دیگر با اتهاماتی تکراری و پرونده سازی بی پایه و اساس اینبار به یک سال زندان محکوم شده است. اسماعیل گرامی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود.

- کارگران شسکام وابسته به مخابرات در تبریز در اعتراض به عدم پرداخت معوقات، مابه التفاوتها، مزایا و حق بیمه ها به سازمان تامین اجتماعی، اجرای مواد ۴۸ و ۴۹ قانون کار، طرح طبقه بندی مشاغل و پرداخت پایه سنوات، اصلاح و اجرای درست عناوین و گروه ها و اعمال حق جذب و تخصص مقابل اداره مرکزی مخابرات بار دیگر دست به تجمع زدند.

### شنبه ۲۴ شهریور:

- کارگران رسمی عملیاتی مناطق نفتخیز و ملی حفاری در اعتراض به کسورات حقوق و مزایای سکو و بی پاسخ ماندن مطالبات اعلام شده خود تجمع کردند.

### جمعه ۲۳ شهریور:

- کارگران رسمی نفت شاغل در شرکت نفت فلات قاره منطقه سیری و لاوان برای پیگیری مطالبات خود تجمع کردند.

### پنجشنبه ۲۲ شهریور:

- ۱۴ نفر از فعالین صنفی و اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان، شاخه سنندج، به اتهام های «اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور»، «تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی»، و «اخلال در نظم عمومی» (به داسرای عمومی و انقلاب سنندج و دیگر نهادهای امنیتی این شهر احضار شده اند).

### چهارشنبه ۲۱ شهریور

- اعتصاب ۴۵۰۰ کارگر مجتمع لاستیک بارز وارد هفتمین روز خود شد. بنا بر گزارشات منتشر شده در جریان اعتراضات این کارگران دستکم سه نفر از کارگران بازداشت شده اند. و این بازداشتها بر خشم و اعتراض کارگران شدت داده است.

### سه شنبه ۲۰ شهریور

- کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکتهای پیمانکاری پالایشگاه های اول، سوم،



توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. نیروهای امنیتی گوشی و دیگر وسایل او را نیز با خود بردند. بازنشستگان بار دیگر امنیتی کردن مبارزه را محکوم کردند و با شعار "تجمع اعتراض حق مسلم ماست" این دستگیرها را محکوم کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۳، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴

## تجمعات معلمان بازنشسته و شاغل و تامین اجتماعی در کرمانشاه جواد عزیزی آزاد باید گردد

روز سه شنبه ۲۰ شهریور معلمان بازنشسته و شاغل در کرمانشاه در همراهی با بازنشستگان تامین اجتماعی برای پیگیری مطالبات خود و در اعتراض به سرکوبگریهای حکومت تجمع کردند.

در این تجمع یکی از زنان بازنشسته در اعتراض به دستگیری یکی از فعالین بازنشسته تامین اجتماعی بنام جواد عزیزی که بدنبال تجمع اعتراضی روز یکشنبه ۱۸ شهریور آنها دستگیر شد، سخنرانی کرد. او گفت که "اگر این مطالبات که میخواهد فقر و فساد ریشه کن شود جرم است؟ اگر جرم است بیاید همه ما را بگیرید. آقای عزیزی همراه ما بوده و همراه او خواهیم بود. مشکل ما همه یکی است و ما عزیزی را تنها نمیگذاریم و در کنار خانواده او هستیم". سخنان این زن بازنشسته با کف زدن جمعیت و فریاد "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم" همراه شد. در ادامه این سخنران معترض دستگیری جواد عزیزی را محکوم کرد و بر آزادی فوری و بی قید و شرط وی تاکید نمود. جمعیت یکپارچه شعار می داد: "جواد عزیزی آزاد باید گردد" جواد عزیزی روز هجدهم شهریور بعد از پایان تجمع و در مراجعه به خانه خود

## تجمعات بازنشستگان مخابرات و اخباری دیگر

امروز نوزدهم شهریور ماه بازنشستگان مخابرات مطابق دوشنبه های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای متعددی تجمع و اعتراض کردند. طبق گزارشات تا کنون این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، کرمانشاه، رشت، اهواز، شیراز، اصفهان، تهران، اردبیل، سنندج، میوان، بروجرد، خرم آباد و کرمان برگزار شده است.

در کرمانشاه بازنشستگان مقابل ساختمان مخابرات تجمع داشتند و شعار میدادند: "نه گرما، نه سرما، نیست جلودار ما" و بر ادامه اعتراضاتشان تاکید داشتند. در رشت بازنشستگان معترض با فریاد "سهامدار عمده حق ماها را خورده" اعتراض خود را به دزدی ها و چپاولگریها از حقوق بازنشستگان اعلام داشتند. و در اهواز بازنشستگان مخابرات با راهپیمایی و شعار "مخابرات حیا کن آیین نامه را اجرا کن" بر اجرای فوری مطالبات خود تاکید کردند.

اعتراضات بازنشستگان به حقوقهای زیر خط فقر، محرومیت از درمان مناسب و رایگان، چپاول و اختلاس از صندوقهای بازنشستگی و بساط سرکوبگری هاست. بازنشستگان مخابرات بعلاوه به عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که میتواند اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد کند و نیز به خاطر عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون"

و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند. در این روز همچنین معلمان نهضت سوادآموزی در اعتراض به وضع بد معیشتی و بلا تکلیفی شغلی خود و با خواست استخدام رسمی کاری با فریاد "نهضتی داد بزن حق تو فریاد بزن" مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع داشتند.

در کرمان نیز متقاضیان مسکن بلدالامین در اعتراض به عدم واگذاری و ساخت به موقع مسکن مطابق وعده های داده شده تجمع داشتند. بنری با نوشته "مستاجر جرم" در دست معترضین بود که اعتراضی به بی مسکنی بود. بنا بر خبر در کرمان حتی یک واحد مسکن نیز در راستای طرح "جهش تولید" تحویل مردم داده نشده است.

حزب کمونیست کارگری ایران—۱۹ شهریور ۱۴۰۳، ۹ سپتامبر ۲۰۲۴

مطالبات پاسخ نگرفته خود در شرکت نفت و گاز پارس در سکوهای چهل گانه با در دست گرفتن بنرهای اعتراضی خود دست به تجمع زدند.

۹- تشکیل کارگری و اجتماعی بیانیه مشترکی تحت عنوان "بیانیه ی مشترک بمناسبت دومین سالگرد طلوع انقلاب زن، زندگی، آزادی" منتشر کردند. تشکلهای امضا کننده این بیانیه عبارتند از: انجمن برق و فلز کرمانشاه، چالش صنفی معلمان ایران، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی، ندای زنان ایران، و نهاد دادخواهان.

از صفحه ۹

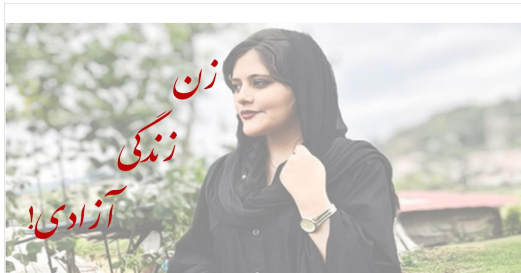
## کارگران در هفته ای که گذشت...

پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی برای ششمین هفته دست به اعتصاب و تجمع زدند.

- نیروهای خدماتی آموزش و پرورش جلوی ساختمان وزارت آموزش و پرورش باشعار "مشکل ما حل نشه مدرسه تعطیل میشه" تجمع کردند.

دوشنبه ۱۹ شهریور

- بنا بر گزارشات منتشر شده امروز ۱۲ شهریور کارگران رسمی نفت برای پیگیری



## حکومت اسلامی نابود باید گردد!

صادر شده بود که فضای گرم اعتراض و مبارزه در سراسر کشور را منعکس می‌کند. زندانیان زن زندان اوین نیز روز ۲۴ شهریور دست به حرکت شجاعانه‌ای زدند، شعارهایی چون «اصلاح طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» را روی مقوایی نوشته و به دیوارهای زندان آویختند و سپس سرودهای انقلابی خوانده و شعارها را در راهروها و حیاط زندان سر دادند. فعالین سیاسی روی در و دیوار برخی شهرها شعارنویسی کردند، تراکت پخش کردند و در مدیای اجتماعی فضای انقلاب و سرنگونی فعال است. در خارج کشور نیز در دهها شهر تجمعات بزرگ و باشکوهی به مناسبت دومین سالگرد انقلاب برگزار شد.

اعتصاب عمومی در کردستان گام بزرگ دیگری در گسترش مبارزات آزادی خواهانه و عدالت طلبانه مردم برای ادامه انقلاب زن زندگی آزادی و جارو کردن بساط جمهوری جنایت و چپاول اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری به مردم کردستان، به خانواده‌های دادخواه، به زنان زندان اوین و به کلیه فعالین، تشکل‌ها و نهادهایی که به مناسبت سالروز انقلاب دست به فعالیت‌های گسترده و متنوعی زدند درود می‌فرستد و همه مردم در سراسر کشور، دادخواهان، زنان، دانشجویان، معلمان، کارگران، پرستاران، جوانان و کلیه نهادها و تشکل‌های مردمی و همه انسانهای آزاده را به گسترش اعتراض علیه اعدام و علیه حکومت جنایتکار و منفور اسلامی فرامیخواند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ شهریور ۱۴۰۳، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴

## اعتصاب در شهرهای کردستان در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی

امروز یکشنبه ۲۵ شهریور در دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی، روزی که مهسا/ژینا امینی توسط حکومت به قتل رسید، مردم شهرهای سراسر کردستان به فراخوان چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و همچنین فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» و دهها نهاد مدنی و حقوق بشری دست به اعتصاب عمومی و یکپارچه زدند تا عزم خود را برای تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی نشان دهند. همچنین تعدادی از خانواده‌های دادخواه، جمعی از فعالین حقوق زن در سنندج و فعالین دیگری نیز فراخوان اعتصاب در کردستان داده بودند. بسیاری از احزاب و نهادها همچنین مردم را به گرامی داشت یاد مهسا/ژینا عزیز و سایر جانب‌باختگان فراخوانده بودند.

مردم کردستان به این فراخوان‌ها وسیعاً پاسخ داده و از جمله شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، دیواندره، بوکان، پیرانشهر، مریوان، اشنویه و مناطقی از کرمانشاه دست به اعتصاب زدند و اعتصاب بزرگی در کردستان شکل گرفت.

رژیم تلاش زیادی کرد تا با احضار بسیاری از فعالین سیاسی و مدنی از جمله احضار ۱۴ نفر از معلمان سنندج، با پورش به منزل خانواده‌های برخی از جانب‌باختگان و با حضور گسترده‌تر اوباش سرکوب خود در برخی شهرهای کردستان جلو اعتصاب را بگیرد. در سقز از روز قبل مسیرهای اطراف قبرستان آچی، جایی که مهسا در آن به خاک سپرده شده تحت کنترل شدید قرار گرفت و یکی از مسیرهای رسیدن به قبرستان نیز با باز کردن آب از دسترس خارج شد. امروز نیز فضایی کاملاً امنیتی در این شهر حاکم است، در قبرستان را پلمب کرده‌اند تا مردم وارد این قبرستان نشوند اما نام مهسا در سراسر جهان فریاد زده شد. یک فایل صوتی به بی‌بی‌سی فارسی رسیده است که حاکی از تجمع اعتراضی در بند زنان زندان اوین است.

لازم به توضیح است که به مناسبت دومین سالروز انقلاب زن زندگی آزادی بیانیه‌ها و پیام‌های شورانگیز بسیار زیادی توسط تشکل‌های کارگری، معلمان، پرستاران، زنان و بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران، ۷۰ نفر از فعالین حقوق زن،

## ادامه اعتصاب ۴۵۰۰ کارگر لاستیک بارز و تجمع کارگران نفت پالایشگاه ششم



خود ادامه داده و خواهان آزادی فوری همکاران بازداشتی و پاسخ به مطالباتشان هستند. کارخانه لاستیک بارز متعلق به شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی (شستا) است.

در این روز همچنین کارگران رسمی شاغل در پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC در اعتراض به عدم پرداخت کامل حقوق و دستمزد برای پیگیری خواسته‌هایشان دست به تجمع زدند. اعتصابات کارگران رسمی هر روزه شده و کارگران خواستار پاسخگویی فوری به مطالباتشان هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۱ شهریور ۱۴۰۳، ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۴

امروز ۲۱ شهریور اعتصاب ۴۵۰۰ کارگر لاستیک بارز وارد هفتمین روز خود شد. بنا بر گزارشات منتشر شده در جریان اعتراضات این کارگران دستکم سه نفر از کارگران بازداشت شده‌اند و این بازداشتها بر خشم و اعتراض کارگران شدت داده است.

دور جدید اعتراضات کارگران لاستیک بارز در اعتراض به سطح پایین دستمزدها و با مطالباتی چون حذف کسورات بیمه از مزد، افزایش پاداش تولید و پرداخت منظم آن، از پانزدهم شهریور آغاز و در این مدت هر سه نوبت کاری کارخانه تعطیل بوده است. در پانزدهم شهریور یکی از مدیران این مجموعه زیر فشار اعتراضات به کارگران وعده داده بود که مشکلات آن‌ها رسیدگی کند، اما نه تنها به وعده‌ها عمل نشد بلکه چند تن از کارگران بازداشت شدند. مدیریت همچنین اعتصاب کارگران را بی پایه خوانده و مدعی شده بود که حقوق آنان کمتر از ۲۲ میلیون تومان نیست اما فیش‌های حقوقی کارگران نشان می‌دهد که مزد تعدادی از آنها بر اساس حداقل مزد پرداخت می‌شود و رقمی کمتر از سیزده میلیون است. با وجودی که نرخ تورم نجومی افزایش می‌یابد. "مجتبی مصباح"، مدیرکل کار و تعاون استان کرمان، با رد خواسته‌های کارگران، اعتصاب آنان را "خلاف مقررات" خوانده است. کارگران نیز به اعتصاب





## ۲۵ شهریور سالگرد انقلاب، یک روز پر از اعتراض در زندان، در کردستان و از سوی بازنشستگان و بخش های مختلف مردم

همانطور که در گزارش کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری آمده است امروز ۲۵ شهریور در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی و قتل حکومتی مهسا امینی مردم شهرهای سراسر کردستان به فراخوان چندین حزب و سازمان سیاسی در کردستان از جمله حزب کمونیست کارگری، و نیز به فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»، نهاد های مختلف مدتی و حقوق بشری و تعدادی از خانواده های دادخواه دست به اعتصاب عمومی و یکپارچه زدند. بدینگونه مردم عزم خود را برای تداوم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی اعلام داشتند. طبق اخبار تا کنونی در این روز شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، دیواندره، بوکان، پیرانشهر، مریوان، اشنویه و مناطقی از کرمانشاه در اعتصاب هستند. اعتصاب عمومی در کردستان یک حرکت اجتماعی مهم در سالروز انقلاب زن زندگی آزادی است.

در این روز امجد امینی و مژگان افتخاری پدر و مادر ژینا امینی که گفته بودند مراسم گرامی داشت یاد دختر عزیزشان را که بدست حکومت به قتل رسیده برگزار میکنند، در حبس خانگی بسر بردند و مردم مبارز شهر سقز به سمت خانه آنها در حرکت بودند اما نیروهای رژیم در محل حاضر شدند و تحت کنترل فضای امنیتی شدیدی قرار گرفتند. پدر و مادر ژینا تهدید شدند که اگر قصد برگزاری دومین سالگرد ژینا امینی و تجمع داشته باشند با خشونت و برخورد شدید روبرو خواهند شد. بدین ترتیب کردستان این کانون مهم انقلاب و اعتراض امروز کانون اعتصاب عمومی و در عین حال کشاکش با سرکوبگران و جنایتکاران حاکم بود.

در کنار اعتصاب عمومی کردستان زنان در زندان اوین با شعار دهی و حجاب سوزان و بازنشستگان با فریاد «اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد» روزی پر از اعتراض را آفریدند.

در این روز ۳۴ تن از زنان زندانی سیاسی در بند زنان اوین در گرامی داشت دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و کشته شدن مهسا (ژینا) امینی اعتصاب غذا کردند. زنان زندانی در زندان اوین شب گذشته نیز فریاد آزادیخواهی سر دادند. شب گذشته ۲۵ نفر از این زندانیان در حیاط بند زنان اوین تجمع کردند. این زندانیان شعاریهای شعارهایی را روی مقوا نوشته و به دیوارهای زندان آویختند و با فریاد شعار و سرود خوانی در راهروها سالگرد انقلاب را گرامی داشتند. آنها شعار میدادند: «آزادی، آزادی، آزادی»، «جان برود، سر برود، آزادی هرگز نرود»، «بند زنان اوین، هم صدا و هم پیمان»، «تا لغو حکم اعدام، ایستاده ایم تا پایان»، «صدور حکم اعدام، انتقام حاکمان»، «از زنان و کردستان، تا هر گوشه در ایران»، «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تموم ماجرا». در این حرکت اعتراضی پرشور زندانیان معترض نام کشته شدگان و اعدام شدگان را فریاد میزدند و سرود بلاچاو و به نام تو که اسم رمز ماست را دسته جمعی سردادند. زندانیان زن در اعتراض به سیاستهای سرکوبگرانه حکومت به خاطر حجاب اجباری، در حیات زندان شال آتش زدند. شب گذشته در بیرون از زندان نیز در تهران و اصفهان شعاردهی شبانه صورت گرفت و شعارهای زن زندگی آزادی، نه به اعدام، مرگ بر دیکتاتور از جمله شعارهایی است که به این

مناسبت بر دیوارهای شهرهای بسیاری نقش بسته است.

امروز همچنین بازنشستگان تامین اجتماعی بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده در شهرهای اهواز، کرمانشاه و تهران و بازنشستگان فولاد در اصفهان، قائمشهر و اهواز تجمع کردند. درمان رایگان، فقط کف خیابان بدست میاد حقمون، معیشت منزلت حق مسلم ماست، شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد، برهای قابل توجه این تجمعات بود. در کرمانشاه بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری و سایر صندوقها با هم تجمع داشتند و شعار میدادند: فقط کف خیابان بدست میاد حقمان، پرستار سلامت، حمایت می کنیم، اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد، و بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن.

در اهواز بازنشستگان مقابل تامین اجتماعی تجمع داشتند و با شعار «ایران غارت کردن! ما رو بیچاره کردن!» صدای اعتراض خود را به بساط دزدسالار حاکم اعلام داشتند. این بازنشستگان همچنین شعار میدادند: «درمان رایگان حق مسلم ماست». در اصفهان بازنشستگان فولاد در مقابل صندوق بازنشستگی در خیابان نشاط تجمع داشتند. این بازنشستگان با شعار «میدری، مولوی ۳ روز دیگه وقت داری!» و به این شکل برای پاسخگویی به مطالباتشان اولتیماتوم دادند. میدری وزیر کار و مولوی از دیگر مقامات مسئول است. شعارهای دیگر این بازنشستگان عبارت بودند از: «فولادی داد بزن، حق تو فریاد بزن»، «معیشت و درمان، نابودتر از هر زمان»، «اجرای همسانسازی بدون حقه بازی».

دراهواز بازنشستگان فولاد شعار میدادند: تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم، «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون».

آزادی اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته و شریفه محمدی فعال کارگری که حکم اعدام گرفته و حمایت از پرستاران از دیگر شعارهای قابل توجه تجمعات بازنشستگان است.

اعتراض بازنشستگان علیه فقر و فساد، گرانی و تورم و تبعیضها، به حقوقهای چند برابر زیر خط فقر و بساط چپاولگری حاکم و به سرکوب هاست.

گفتنی است که معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در رابطه با همین موضوعات و بی پاسخ ماندن مطالباتشان در ادامه اعتراضات متوالی ای که داشته اند برای فردا بیست و ششم شهریور و روز بعدش ۲۷ شهریور جلوی سازمان برنامه و بودجه و وزارت آموزش و پرورش در تهران به تجمع فراخوان داده اند.

برگزاری تجمعات اعتراضی از سوی بازنشستگان در روزهای سالگرد انقلاب جایگاه مهم مبارزاتی آنها را نشان میدهد که همواره بلند گوی رسای اعتراض مردم هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ شهریور ۱۴۰۳، ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴

# زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

## بیانیه ی مشترک بمناسبت دومین سالگرد طلوع انقلاب زن، زندگی، آزادی



بلکه با فشرده تر شدن فتر خشم و نفرت اکثریت، زمینه ی به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن، زندگی، آزادی با قدرتی مهیب تر از دو سال قبل مهیا گردیده است."

در پایان بیانیه بر ادامه متحدانه و گسترده انقلاب زن زندگی تاکید کرده و مینویسد: "اینک در دومین سالگرد انقلاب نوین زنانه تاریخ، ما معلمان، ما کارگران پرستاران و بازنشستگان، ما زنان و دادخواهان، ما جوانان آزادیخواه و ما مردمی که از فقر و فساد و گرانی و ظلم و تبعیض حاکمان به جان آمده ایم، با ادامه اعتراضات، تجمعات و اعتصاباتمان و فریاد دوباره "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد" با گرامیداشت قدرتمند و پر شور سالگرد آغاز انقلاب، یکصدا با هم برای برجیدن مناسبات نابرابر، پایان دادن به بیحقوقی زن و بردگی مزدی، و بازگرداندن اختیار به انسان هم پیمان میشویم."

تشکلهای امضاکننده این بیانیه عبارتند از: انجمن برق و فلز کرمانشاه، چالش صنفی معلمان ایران، شورای بازنشستگان ایران، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)، شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران، کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی، ندای زنان ایران، و نهاد دادخواهان.

بدینگونه در دومین سالگرد انقلاب بار دیگر منشور بیست و یک شکل کارگری-اجتماعی که در بهمن ۱۴۰۱ منتشر شد و بر انقلاب زن زندگی آزادی روشنایی بخشید. بار دیگر روی میز جامعه گذاشته شده است. این بیانیه بطور واقعی پلاتفرم اتحاد مبارزات مردم برای دستیابی به زندگی انسانی است و باید وسیعاً گرد آن متحد شد. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۳، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴



**حکومت اسلامی نابود باید گردد!**

روز ۱۹ شهریور ۹ شکل کارگری و اجتماعی بیانیه مشترکی تحت عنوان "بیانیه ی مشترک بمناسبت دومین سالگرد طلوع انقلاب زن، زندگی، آزادی" منتشر کردند. این بیانیه تاکیدی بر خواسته های شفاف و عمیق انقلاب زن زندگی آزادی است و جهت گیری انسانی و آزادیخواهانه انقلاب را بیان می کند. در سرسخن این بیانیه چنین آمده است:

"دوسال از قتل حکومتی مهسا ژینا امینی و فوران انقلاب زن زندگی آزادی میگذرد. انقلابی اجتماعی که برآیند مبارزات طولانی، ناشی از مصائب و هزینه های سنگین سیاسی اقتصادی و تجربیات بیش از چهل سال انقلاب به فرجام نرسیده ۱۳۵۷ است که در قامتی نوین متأثر از شرایط امروز و نسل پرورش یافته در جهان کنونی با اعلام اینکه: "دیگه تمومه ماجرا" عروج کرد و آزادی خواهی، معیشت توأم با رفاه عمومی، برابری طلبی، مدرنیسم و سکولاریسم را به صف کشید. بدینگونه انقلاب نوین انسانی، انقلاب زن زندگی آزادی سر بلند کرد. انقلابی که به عنوان تبلور آزادی، رفاه و مدرنیسم در تمام دنیا برسمیت شناخته شد و مورد حمایت قرار گرفت." در ادامه این بیانیه بر تداوم مبارزات مردمی برای رهایی اشاره شده و آمده است:

"تقابل اجتناب ناپذیر اکثریت مردم با حکومت از سالها قبل بر سر بدر شدن شرایط سخت زندگی در جریان بوده و چنانکه می بینیم در طی دوسال گذشته، خیابان به عنوان مظهر وجودی انقلاب همواره در تسخیر معترضان بوده است. دادخواهان، بازنشستگان، کارگران، معلمان، پرستاران، دانشجویان، مالباختگان و زنان شجاعی که از خاکریز فتح شده حجاب قدمی به عقب بر نداشتند، خیابانها را به عرصه نبرد تبدیل کرده اند. دادخواهان با گرامیداشت یاد عزیزانشان که نمادهای انقلاب هستند، پیام ادامه راه آنها تا رسیدن به آزادی و عدالت را میدهند. بازنشستگان با تجمعات مداوم هفتگی به بلندگویی مطالبات جامعه بدل شده اند و هر روز گسترده تر و در شهرهای بیشتر ندای نه به شرایط موجود شده اند. کارگران در بیشتر مراکز کاری از جمله کارگران پروژه ای و ارکان ثالث تا کارکنان رسمی نفت و واگن پارس با گسترش اعتراضات و اعتصاباتشان انقلاب را قوام بخشیده اند و شاهد راهپیمایی ها و اعتصابات پرشور به همراه خانواده های کارگری هستیم. در آستانه دومین سالگرد انقلاب مهسا، پرستاران و کادر بهداشت و درمان با همبستگی بینظیری با اعتصاب و اعتراض و تجمع، با فریاد زدن درد مشترک، اتحادی سراسری و بیسابقه در تاریخ جنبش های معیشتی را به نمایش گذاشتند. امروز ما با یک جنبش قوی بر سر معیشت، آزادی و برابری در سطح جامعه روبرو هستیم."

این بیانیه با اشاره به اینکه انقلاب زن زندگی آزادی با منشور خواسته های حداقلی بیست و یک شکل کارگری- اجتماعی و پرچم میثاق\_تشکلهای\_دو\_اول ماه مه افق پیروزی را ترسیم کرد و با گامهایی استوارتری به جلو گام بر میدارد، از سرکوبگری های حکومت و ایستادگی جامعه میگوید و مینویسد:

"جامعه معترض نه تنها مرعوب نشده

**به حزب  
کمونیست کارگری  
پیوندید!**



تلگرام: @wpi\_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com



## ششمین هفته اعتصاب کارگران ارکان ثالث پالایشگاههای گاز پارس جنوبی

امروز بیستم شهریور ماه ششمین سه شنبه اعتراضی کارگران ارکان ثالث بود. در این روز کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی شرکت‌های پیمانکاری پالایشگاه های اول، سوم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم، دهم، یازدهم و دوازدهم مجتمع گاز پارس جنوبی دست به اعتصاب و تجمع زدند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی (ارکان ثالث) در گزارشی خبری خود در رابطه با این حرکت اعتراضی مینویسد: "شش هفته اعتصاب ما در حالی برگزار شد که همکاران رسمی مان روز گذشته نیز همچنان متحد و سازماندهی شده اعتراضات خود را در سکویهای چهل گانه نفت و گاز پارس، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت دو)، پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC، نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱) و پالایشگاه گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود، ادامه دادند."

در ادامه این گزارش چنین آمده است: "با وجود عبور همکاران شجاعمان در پالایشگاه اول پارس جنوبی از تهدیدات حراست و پیوستن به اعتراضات مان، پیامهای بی شماری از همکاران در ملی حفاری، به ویژه در خصوص کارگران معترض اخراجی و از مناطق نفت خیز جنوب و نفت و گاز اروندان و دیگر بخشهای نفت به شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) رسیده که نشان میدهد فضای همه بخشهای عملیاتی - بهره برداری نفت کاملاً اعتراضی است و نفت در کنار سایر بخشهای مختلف جامعه در تدارک مقابله مستقیم با مسببین فقر و فلاکت عمومی ایستاده است." این شورا در خاتمه همه کارگران بخش های مختلف شاغل در نفت را به پیوستن به این اعتراضات فراخوانده است. اهم مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق ایجاد تشکل و برپایی تجمع و اعتراض، بازگشت به کار فوری و بی قید و شرط کارگران اخراجی، حجت رضایی از پارس جنوبی و یاسر احمدی نژاد از ملی حفاری و کارگران اخراجی پروژه ای، اجرای توافقات قبلی بویژه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ (هزینه قطع امکانات رفاهی) که به صورت یکجانبه توسط برخی از مسئولان مجتمع دچار تغییراتی شده است، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل بدون تبعیض با نیروهای رسمی و قراردادی پیرو توافقات قبلی با وزارت نفت، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل برای رانندگان غیرمالک خودروهای استیجاری، ساماندهی تردد و

ایجاد امنیت شغلی برای آنان، اجرای ۱۴ روز کار، ۱۴ روز استراحت برای کارکنان اداری و پشتیبانی.

اعتراضات گسترده در نفت در آستانه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی در کنار اعتراضات دیگر بخش های جامعه بر سر معیشت، گرما بخش اعتراضات در خیابانها و نشانگر زمینه های حرکت برای اعتصابات سراسری است. از مبارزات کارگران نفت وسیعاً حمایت کنیم.

یک خبر مهم اعتراضی دیگر در این روز تجمع اعتراضی نیروهای خدماتی آموزش و پرورش جلوی ساختمان وزارت آموزش و پرورش باشعار "مشکل ما حل نشه مدرسه تعطیل میشه" بود. در حالیکه هزاران معلم بصورت موقت و در اشکال خرید خدمتی، خدماتی، نهضتی و غیره کار میکنند و کمبود معلم یک معضل آموزش و پرورش است، این معلمان در آستانه گشایش سال تحصیلی جدید با مشکل اشتغال روبرویند و اعتراضات آنها فشار سنگینی بر حکومت است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ شهریور ۱۴۰۳، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۴



کامل ماده ۱۰ و پرداخت بک-پی ماده ۱۰، عدم تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مازاد مالیات کسر شده. اخبار اعتراضات کارگران نفت را وسیعاً بازتاب دهیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ شهریور ۱۴۰۳، ۹ سپتامبر ۲۰۲۴

\*\*\*

کارگران رسمی نفت در ۲۳ شهریور در فلات قاره دسریری و لاون و در ۲۱ شهریور در پالایشگاه دهم مجتمع گاز پارس جنوبی. SPGC تجمع داشتند.

همچنین کارگران روزمزد (اورهالی) در پالایشگاه سوم پارس جنوبی

در ۲۱ شهریور در اعتراض به وضع بد کاری خود دست به اعتصاب زدند.

## ۱۹ شهریور: اعتراضات کارگران رسمی نفت در مراکز مختلف نفت و گاز

امروز نوزدهم شهریور ماه یک روز دیگر از اعتراضات گسترده کارگران رسمی نفت در مراکز مختلف نفت و گاز و برای پیگیری مطالباتشان بود. بنا بر اخبار منتشر شده در این روز شمار زیادی از این کارگران در سکویهای چهل گانه نفت و گاز پارس، شرکت نفت و گاز پارس کنگان (سایت دو)، پالایشگاه ششم مجتمع گاز پارس جنوبی SPGC، نفت و گاز پارس عسلویه (سایت ۱) و پالایشگاه گاز فجر جم برای پیگیری مطالبات پاسخ نگرفته خود تجمع کردند. در پالایشگاه گاز فجر جم کارگران با راهپیمایی و شعاردهی اعتراض خود را به وضعیت غیرقابل حقوق و شرایط کاری خود ابراز کردند. در این تجمعات کارگران از جمله شعار میدادند: "حقوق عادلانه حق مسلم ماست."

اعتراضات کارگران رسمی نفت سراسری است و اهم مطالبات آنها عبارت است از: برکناری مدیران فاسد و بی کفایت، حذف محدودیت پرداخت حقوق (سقف ناعادلانه)، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، اصلاح کف حقوق، اجرای



## بیانیه مشترک جمعی از فعالان و مدافعان حقوق زن به مناسبت دومین سالگرد قتل حکومتی ژینامهسا امینی و شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی"

نه به حجاب، نه به اعدام، نه به فقر و فساد و گرانی، نه به حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی. ایستاده ایم تا پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی  
ما جمعی از فعالان و مدافعان حقوق زن، در دومین سالگرد انقلاب "زن، زندگی، آزادی"، با صدایی رساتر از همیشه و با خشمی فروزان، عزم شکست‌ناپذیر خود را برای پیروزی این انقلاب عظیم و ریشه کن کردن این شرایط ضدانسانی اعلام کنیم.  
این انقلاب پس از قتل حکومتی ژینامهسا امینی، زن جوانی که به جرم بیرون بودن چند تار مویش با خشونت و توحش نیروهای گشت ارشاد به کُما رفت، شعله‌ور شد. این جنایت، چهره زشت و غیرانسانی رژیم را بار دیگر و عریان تر از همیشه به دنیا نشان داد که سال‌هاست با زور، سرکوب، جنایت و خشونت، مردم و به ویژه زنان ایران را به بند کشیده است. اما این بار، خون مهساژینا آتش خشم مردم را برافروخت و فریاد "زن زندگی آزادی" از سراسر ایران برخاست و در جهان طنین‌انداز شد.

"زن، زندگی، آزادی" تنها یک شعار نیست؛ این سه واژه، معانی عمیقی در خود نهفته دارند که بنیان‌های یک زندگی انسانی و عادلانه را با خود حمل میکند. "زن" به عنوان نماد مقاومت و شجاعت در برابر تبعیض و ستم حاکم، "زندگی" به عنوان حق مسلم هر انسانی برای زیستن با کرامت و منزلت، و "آزادی" به عنوان اساسی‌ترین نیاز و خواسته تک تک افراد در جامعه. این شعار، تجسم آرزوهای سرکوب‌شده میلیون‌ها انسان است که دیگر تحمل زنجیرهای استبداد را ندارد و برای دستیابی به یک زندگی آزاد و برابر و مرفه و بدون دخالت و تحمیل دین در زندگی انسانها، به پا خاسته است.  
پس از قتل حکومتی مهساژینا امینی، زنان و جوانان و دانشجویان و دانش‌آموزان و مردمی که دل در گرو رهایی از ظلم دارند در سراسر کشور به خیابان‌ها آمدند و با فریاد "زن، زندگی، آزادی" علیه سال‌ها ستم و تبعیض انقلابی را آغاز کردند که در جهان از آن به‌عنوان اولین انقلاب زنانه تاریخ بشریت یاد میشود. این انقلاب، نه تنها خواسته‌های زنان، بلکه خواسته تمامی کسانی است که به دنبال آزادی، برابری، انسانیت، کرامت و منزلت انسانی، رفاه و عدالت اند. در ماه‌های نخست این انقلاب، یکی از دو منشور تدوین شده توسط تشکلهای فعالین این انقلاب و جنبشهای مبارزاتی، "منشور مطالبات پیشرو زنان ایران" بود که به عنوان صدای رسای مطالبات به حق، مدرن، جهانشمول و سکولار زنان و نقشه راهی برای دستیابی به آزادی زن، برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی است.

در طول این دو سال که از شروع این انقلاب می‌گذرد، با تلاش بی‌وقفه زنان در خیابان‌ها علیه حجاب اجباری و در جنگ علیه زنان که حکومت به راه انداخته، و در زندان‌ها به ویژه بند زنان زندان اوین، مبارزه با تمام قدرت ادامه داشته و زنان شجاعی که در این شرایط سخت و غیرانسانی مقاومت می‌کنند، همچنان الهام‌بخش و پیشگامان این انقلاب و تداوم آن هستند. مبارزات بی‌وقفه زنان در برابر سرکوب و شکنجه، نشانگر قدرت اراده و ایمان به پیروزی است و در تاریخ مبارزه برای رهایی زن از نظام آپارتاید جنسیتی و مذهب و مردسالاری ثبت شده است.

از دستاوردهای مهم این انقلاب، بی‌حجابی سراسری است که به نماد مقاومت در برابر اجبار و زورگویی و استبداد تبدیل شده است و لغو عملی حجاب اجباری از سوی جامعه را به حکومت تحمیل کرده است. حجاب، به عنوان خاکریز اول حکومت، اکنون از دست آن خارج شده و این دستاورد، هزینه‌ای سنگین بر پیکر فرسوده رژیم تحمیل کرده است. این هزینه، نشان‌دهنده شکست رژیم در کنترل و

### امضا کنندگان:

۱. لیلیا میرغفاری - فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق - ایران
۲. راحله احمدی - فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق - ایران
۳. سوری بابایی چگینی - فعال کارزار حجاب بی حجاب، زندانی سیاسی - ایران
۴. پوران ناظمی - فعال حقوق زنان - ایران
۵. رها احمدی - مدافع حقوق زنان و کودکان - ایران
۶. فرشته دیدنی - فعال حقوق زنان - ایران
۷. حدیث صبوری - فعال حقوق زنان - ایران
۸. نرگس ظریفیان - فعال حقوق زنان - ایران
۹. ریحانه سعیدی - پزشک و کنشگر اجتماعی از فعالان انقلاب زن زندگی آزادی - ایران
۱۰. سارا سیاهپور - فعال صنفی معلمان - ایران
۱۱. نصرت بهشتی - معلم بازنشسته، فعال جنبش زنان و کارگری - ایران
۱۲. خدیجه مهدی پور - فعال سیاسی - ایران
۱۳. کوبک بداعی پگاه - فعال صنفی معلمان - ایران
۱۴. محبوبه فرح‌زادی - عضو هیئت مدیره کانون صنفی معلمان تهران - ایران
۱۵. برزان محمدی - زندانی سیاسی سابق و دادخواه - ایران
۱۶. سهیل عربی - زندانی سیاسی در تبعید، کارگر دادخواه - ایران
۱۷. مجتبی نایری - زندانی سیاسی سابق
۱۸. جواد حسینی نژاد - زندانی سیاسی سابق
۱۹. فرنگیس مظلوم - مادر دادخواه سهیل عربی زندانی سیاسی در تبعید - ایران
۲۰. دایه شریفه - مادر دادخواه رامین حسین پنهانی - ایران
۲۱. نادیا بهاری - فعال حقوق زنان و کودکان کار - ایران

۲۲. شیرین شمس - از مسئولین تشکل انقلاب زنانه
۲۳. فریبا بلوچ - برنده جایزه بین‌المللی «زنان شجاع ۲۰۲۴» از سوی وزارت خارجه آمریکا
۲۴. مهسا پیرایی - دختر دادخواه مینو مجیدی از کشته شدگان انقلاب زن زندگی آزادی
۲۵. لادن بازرگان - از خانواده‌های دادخواه دهه شصت شمسی
۲۶. شهناز مرتب - عضو انجمن خانواده‌های دادخواه هواپیمای اوکراینی
۲۷. کیوان صمدی - از آسیب دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی
۲۸. ملیکا زر - مدیر اجرایی شبکه شش‌رنگ و کنشگر جامعه ال‌جی‌بی‌تی+
۲۹. یحیی سرخانی - فعال محیط زیست و از آسیب دیدگان چشمی در انقلاب زن زندگی آزادی
۳۰. مهشید ناظمی - فعال حقوق زنان
۳۱. فریبا برهان‌زهی - فعال حقوق زنان و اهل بلوچستان
۳۲. نسرین پایبندی - فعال سیاسی و فعال حقوق زنان
۳۳. شعله پاکروان - مادر دادخواه ریحانه جباری
۳۴. عظمت اژدری - از خانواده‌های دادخواه هواپیمای اوکراینی
۳۵. شیلان میرزایی - فعال سیاسی
۳۶. مرگن کشاورز - فعال حقوق زنان
۳۷. ناهید حسینی - مدیر هماهنگی شبکه استقلال و برابری پایدار زنان (وایز)
۳۸. گلین شیرزاد - فعال حقوق زنان
۳۹. اوین مصطفی‌زاده - کنشگر حقوق بشر و سخنگوی سازمان گردپا
۴۰. گلانه شرفکندی - فعال حقوق زنان
۴۱. واحد روزنورد - فعال سیاسی و آسیب دیده انقلاب زن زندگی آزادی
۴۲. کیان آذر - دبیر سازمان جوانان کمونیست
۴۳. ماریا محمودی - همسر دادخواه محمد فرامرزی جانباخته راه آزادی
۴۴. علی قلی‌لو - فعال حقوق زنان و زندانی سیاسی سابق
۴۵. فاطمه اختصاری - شاعر و نویسنده

۴۶. علی مصری - آسیب دیده انقلاب زن زندگی آزادی
۴۷. مینا احدی - سخنگوی کمیته بین‌المللی علیه اعدام
۴۸. صبا آق‌له - روانشناس بالینی، روان‌تحلیل‌گر سیاسی و اجتماعی
۴۹. هاجر مهربان - خواهر محمود مهربان زندانی سیاسی محکوم به اعدام
۵۰. صبین علیپور - مسئول سازمان سراسری حق زن
۵۱. شیوا محبوبی - فعال حقوق زنان و سخنگوی کمیته آزادی زندانیان سیاسی
۵۲. مهدی موسوی - شاعر و نویسنده، مدافع حقوق زنان
۵۳. شپلا دانشفر - سخنگوی کمپین برای آزادی کارگران زندانی (فرضی‌دم‌تاو)
۵۴. امید حبیبی‌نیا - زندانی سیاسی سابق، روزنامه‌نگار و مدافع آزادی بیان
۵۵. فواد گودرزی - فعال سیاسی
۵۶. بهاره روحی - فعال سیاسی
۵۷. محمود عبیدی - آسیب دیده انقلاب زن زندگی آزادی
۵۸. مریم تماری - فعال حقوق زنان
۵۹. بهروز علی‌بخشی - فعال سیاسی
۶۰. اعظم بهرامی - فعال حقوق زنان و محیط زیست
۶۱. آزاده دواجی - فعال حقوق زنان
۶۲. نسیبه شمسایی - فعال حقوق زنان
۶۳. ساره صدیقی همدانی - فعال ال‌جی‌بی‌تی کیو و حقوق زنان
۶۴. الناز کریمی - فعال سیاسی و کارگری
۶۵. مرجان اروندی - پژوهشگر و استاد دانشگاه
۶۶. سروناز سینایی - فعال حقوق زنان
۶۷. پیمان‌مه ملازهی - فعال حقوق زنان اهل بلوچستان
۶۸. ملیکا امینا - هنرمند و فعال حقوق زنان و حقوق رنگین‌کمانها
۶۹. ایمان آقاییاری - فعال سیاسی
۷۰. ماه‌منیر ندیم - خواننده و مدل، فعال حقوق زنان و افراد دارای معلولیت

## بیانیه مشترک فعالان و مدافعان حقوق زن

به مناسبت دومین سالگرد  
قتل حکومتی ژینامسا امینی

و آغاز انقلاب

زن زندگی  
آزادی



نه به حجاب، نه به اعدام، نه به فقر و فساد و گرانی،  
نه به حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی،  
ایستاده ایم تا پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی

روز بیشتر شود. ما از تمام نهادهای بین‌المللی، حامیان و مدافعین حقوق انسانی و دولت‌ها می‌خواهیم که در کنار مردم، در کنار زنان ایران در صف مقدم اعتراضات، بایستید و با بایکوت رژیم آپارتاید جنسیتی آن را به زانو در آورند.

امروز ما امضاکنندگان این بیانیه از ایران و سراسر جهان، در دومین سالگرد شروع انقلاب زن زندگی آزادی، با قدرت و قاطعیت اعلام می‌کنیم که برای پیروزی نهایی، اعتصابات و اعتراضات سراسری و اعتصاب عمومی نه تنها یک گزینه، بلکه یک ضرورت انکارناپذیر است. این وضعیت و مسبب آن دیگر جایی برای ادامه ندارد و ما عهد می‌بندیم که تا برچیدن ریشه ظلم و استبداد از پای نخواهیم نشست. ما در برابر هرگونه تهدید و سرکوب از بازداشت و زندان گرفته تا شکنجه و اعدام، ایستاده‌ایم و با اتحاد و همبستگی، این مبارزه را تا رسیدن به آزادی، برابری، رفاه همگانی، سکولاریسم و عدالت به سرانجام خواهیم رساند.

با خشم و اراده‌ای شکست‌ناپذیر،

قسم به خون یاران ایستاده‌ایم تا پایان

پیروز باد انقلاب زن زندگی آزادی (برگرفته از مدیای اجتماعی)

## بیانیه مشترک ...

از صفحه ۱۵

تحلیل ارزش‌های مذهبی و ارتجاعی بر جامعه است، و ما این پیروزی را گام بلندی در مسیر سرنگونی کامل جمهوری اسلامی می‌دانیم.

در این دو سال نقش زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان، برجسته و الهام‌بخش بوده است. زندانیان سیاسی یک رکن اساسی این انقلاب اند و تداوم مبارزه در زندانها را با بیانیه و تحصن و اعتصاب و اعتراض تداوم بخشیده‌اند و پیامی گویایی دارد که زندان نمیتواند مبارزه ما مردم ایران را متوقف کند که گواه آن بند زنان زندان اوین می باشد که تبدیل به خط مقدم انقلاب زن زندگی آزادی شده است.

یک رکن اصلی این انقلاب، خانواده‌های دادخواه هستند که عزیزان خود را در جریان سرکوب‌های خونین رژیم از دست داده‌اند، اما با وجود درد و اندوهی جانکاه، با شجاعت و استقامت، در برابر زندان و تهدیدها و فشارها ایستاده‌اند و فریاد دادخواهی سر داده‌اند. مبارزه دادخواهان برای روشن شدن حقیقت و مجازات عاملان این جنایات، نه تنها یاد و نام جانب‌اختگان راه آزادی را زنده نگه می‌دارد، بلکه چشم انداز محاکمه تک تک آمرین و عاملین جنایات رژیم اسلامی را تقویت میکند.

در طی این دو سال در برابر اعدامها که ماشین کشتار است جنبشی وسیع تر از گذشته در سراسر کشور حتی در قلب زندانها با پرچمداری زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام و نیز فراتر از مرزها شکل گرفته که خواهان از کار انداختن ماشین قتل عمد حکومتی ست و یکی از پرچم‌های این انقلاب لغو اعدام است.

از سوی دیگر آسیب دیدگان انقلاب زن زندگی آزادی، رنگین کمانها، آتیشها، هنرمندان و ورزشکاران و نویسندگان همراه با اعتراضات مردم هم به تهدید بزرگی برای رژیم تبدیل شده‌اند.

از وجوه دیگر تاثیرات این انقلاب، اعتراضات و اعتصاب پرستاران، کارگران و بازنشستگان است که علیه بیحقوقی و تبعیض و فقر و استثمار که بصورت سراسری و مستمر در جریان است و به یکی از ارکان مهم بازتولید فضای اعتراضی تبدیل شده است و مبارزه از سویی دیگر در عرصه جهانی، اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون زنان سازمان ملل، تنها یکی از نشانه‌های فشار بین‌المللی است که باید هر

## تجمع اعتراضی کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی ماهشهر، پتروشیمی ارغوان گستر و کارگران رسمی در مناطق نفتخیز و ملی حفاری



در نفت مبنی بر حذف پیمانکاران  
مفتخور و چپاولگر تاکید کرده است.

خبر دیگر اینکه روز ۲۴ شهریور  
کارگران رسمی عملیاتی مناطق نفتخیز  
و ملی حفاری در اعتراض به کسورات

حقوق و مزایای سکو تجمع کردند. مطالبات مهم کارگران رسمی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مازاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست‌درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، و استرداد مازاد مالیات کسر شده.

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانکاران نفت با گزارش این خبرها از اعتراضات همکاران در بخش‌های مختلف مراکز نفت و گاز اعلام حمایت کرده است. اعتراضات در بخش‌های مختلف نفت این مرکز کلیدی کارگری گسترده است. اخبار اعتراضات کارگران نفت را وسیعاً بازتاب دهیم و از آنها حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۲۶ شهریور ۱۴۰۳، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانکاران نفت گزارشی از سه حرکت اعتراضی در بخش‌های مختلف مراکز نفت و گاز انتشار داده است. بنا بر این گزارش روز ۲۶ شهریور کارگران پایانه‌ها و مخازن پتروشیمی بندر ماهشهر در اعتراض به عدم تبدیل وضعیت استخدامها مطابق با شرکتهای همجوار، عدم پرداخت پتروکارت، کسر مبالغ پاداش‌های بهره‌وری، عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل پرسنل پیمانکاری، مشکلات در پرداخت به موقع حق بیمه اجتماعی، عدم پرداخت اضافه‌کاریها، عدم اجرای مصوبات صورتجلسه مورخ ۱۴۰۱/۹/۱۵، عدم تحویل لباس کار و عینک طبق قرارداد شرکت پیمانکاری بیسکو و عدم پرداخت هزینه تور مسافرت و سرانه ورزشی دست به تجمع زدند.

همچنین در روز ۲۵ شهریور گروهی از کارگران بیکار شده در پروژه پتروشیمی ارغوان گستر در ایلام در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به تجمع زدند. طبق گزارشات در این پتروشیمی با اتمام قرارداد پیمانکار تعدادی از آنها بیکار شده و قراردادهای تمدید نشده است. و خطر بیکاری سایر کارگران در این پتروشیمی را تهدید میکند. این کارگران به این بیکارسازها اعتراض دارند و خواستار استخدام کارگران اخراجی در بخش‌های دیگر این پتروشیمی و یا سایر واحدهای نفت و گاز و پتروشیمی چوار هستند. در این خبر شورای سازماندهی بر خواست سراسری کارگران





## دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی میداریم

### نه به اعدام، نه به زندان و سرکوب

دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی فرا میرسد. یاد مهسا امینی و نیکاه و ساریناها و مجیدها و مهدی و محمد حسینی و همه عزیزانمان، که بدست حاکمان جایزکار اسلامی اعدام شدند یا با شلیک مستقیم جانشان را از دست دادند، گرامی میداریم.

سالگرد انقلاب فرصتی است که بار دیگر در صفی متحد و با عزمی راسخ برای تداوم انقلابمان برای پایان دادن به سیستم سرکوب و زندان و اعدام و کل بساط ارتجاع و بربریت هم عهد شویم. با کارزارهای بین المللی مان جلوی اعدامها را بگیریم و ماشین جنایت و زندان و سرکوب را فلج کنیم. به این مناسبت رساتر از هر وقت فریاد نه به اعدام سر دهیم و با زندانیان و سه شنبه های اعتراض علیه اعدامها همصدا شویم. فریاد بزنیم و بر لغو مجازات اعدام تحت هر بهانه ای تاکید کنیم. خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط شریفه محمدی، عباس دریس این فعالین کارگری محکوم به اعدام و لغو احکام آنها و تمامی احکام شنیع، ارتجاعی و وحشیانه اعدام و "بغی" شویم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی (FREE THEM NOW) به مناسب سالگرد انقلاب بر آزادی فوری کارگران زندانی، معلمان دربند، بازداشت شدگان انقلاب و همه زندانیان سیاسی تاکید دارد و اعلام میکند که با تمام توان برای آزادی این عزیزان تلاش خواهد کرد و صدایشان را در سطح بین المللی بازتاب میدهد.

با شعارهای نه به اعدام، نه به زندان و سرکوب، زندانی سیاسی آزاد باید گردد ادامه انقلاب علیه کل حکومت سرکوبگر و ضد کارگر، ضد زن و فاسد و ضد انسانی را فریاد بزنیم و برای ساختن جامعه ای شاد، برابر و انسانی هم پیمان شویم. این حکومت بخاطر تمامی جنایات و سرکوبگریهایش باید در سطح جهان منزوی و بایکوت شود. این گفتمان را هر چه رساتر در سطح جهان بازتاب دهیم.

توحش هر روزه جمهوری اسلامی مدام دارد به همه مردم تاکید میکند که برای

دستیابی به حداقل زندگی انسانی، برای دستیابی به آزادی تشکل، آزادی بیان، آزادی عقیده و رفاه و برابری، راهی جز ادامه انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی نیست. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۵ شهریور ۱۴۰۳، ۵ سپتامبر ۲۰۲۴  
Shahla.daneshfar2@gmail.com

برگرفته از مدیای اجتماعی

## اعتصاب همکاران روز مزد (اورهالی) در پالایشگاه سوم پارس جنوبی

کار فرستاد و وقتی کارگران معترض شدند. چند نفر از آنان به حراست معرفی شدند. و سرانجام بعد از چند روز معطلی بدون مزد اخراج شدند.

کارگران روزمزد در این پالایشگاه برای دوره اورهال (تعمیرات اساسی صنایع نفت، گاز و پتروشیمی) به کار گرفته میشوند و بصورت تعیین مزد مستقیم توسط کارفرما در هر واحد صنعتی استخدام و دوره اشتغال آنها با پایان اورهال در مدت زمان کمتر از ۲۰ روز تا یک ماه و یا کمتر به انتها می رسد.

کارگران هر ساله برای انجام کارهای تعمیراتی بصورت روزمزدی به این پالایشگاه می آیند و همگی تحصیل کرده و بیشتر آنها دارای مدرک لیسانس و یا بالاتر هستند و با وجود مهارت و تخصصی که طی سالها کار در اورهال صنایع نفت کسب کرده اند، هر ساله در فصل گرمای سوزان تابستانی برای اشتغال به کار به مراکز نفتی میروند و در سخت ترین شرایط کار میکنند. این درحالیست که در همه صنایع نفتی این بخش از کارگران تمام هزینه های رفت و برگشت به خانه و تایید سلامت پزشکی و عدم اعتیاد و غیره را هم باید از جیب خودشان پرداخت کنند و به آنها مزد ناچیزی آنهم با کلی کسورات و تاخیر پرداخت شود. و بعد از شش ماه کار سخت و دشوار به خانه بر میگردند و باقی سال را با کارهای ساختمانی و غیره روزگار میگذرانند. و این وضعیت کارگران اورهال در همه صنایع نفت است. (از مدیای اجتماعی)

طبق گزارش منتشر شده در کانال تلگرامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی (ارکان ثالث) به نقل از یکی از کارگران روزمزد اورهالی پالایشگاه سوم، این کارگران در روز گذشته چهارشنبه ۲۱ شهریور در اعتراض به وضع بد کاری خود دست به اعتصاب زدند. یکی از کارگران اعتصابی که ده سال است در این پالایشگاه کار اورهال را انجام میدهد در گزارش خود به شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی میگوید: "از ابتدای هفته برای شرکت در اورهال پالایشگاه سوم پارس جنوبی در حالی که اورهال با سه روز تأخیر شروع شد، مدیریت پالایشگاه سوم ما را مقابل درب پالایشگاه یا در کمپهای آلوده بدون غذا و آب و جای خواب مناسب نگه داشتند و اعلام کردند که از بابت سه روز تأخیر شروع اورهال، علیرغم معطلی ما در کمپ و مقابل پالایشگاه، مزدی به ما تعلق نمی گیرد."

طبق گزارش این کارگر، این کارگران در اعتراض به این وضعیت در اولین روز اورهال، در اعتراض به شرایط مکان استراحت خود که در زیر فلر قرار دارد و شرایط بی آبی و بی غذایی دست به اعتصاب زدند. در پاسخ به کارگران رئیس تعمیرات مکانیک پالایشگاه عباس جوانمردی با رفتار توهین آمیز اعلام کرد شرایط همین است که هست و هرکس نمیتواند به او تسویه حساب بدهیم. بعد از آن نروزی نماینده شرکت تکاب صنعت مهر با برخورد فیزیکی و الفاظ توهین آمیز، کارگران را به محل





## قدرت دوگانه بین مردم و حکومت اشغالگر

کیوان جاوید

۲۵ شهریور کردستان یکپارچه شور بود و امید و مبارزه علیه رژیم تا دندان مسلح جمهوری اسلامی. در سایه دومین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی مروری کوتاه می‌کنیم بر آنچه در ایران جریان دارد.

یک نام دیگر برای جمهوری اسلامی که در اذهان نقش بسته است، رژیم اشغالگر است. مختصات یک رژیم اشغالگر این است که یک کشور را از نظر نظامی تحت اشغال درآورده باشد و بس. اشغالگران با گسیل تانک و استقرار نیروهای مسلح خیابان‌ها و مراکز کار و تولید را تحت کنترل خود قرار می‌دهند، اما قدرتشان در همین حد است. در ایران به یک معنای استعاره‌ای ما با همین وضعیت روبرو هستیم. جمهوری اسلامی درست موقعیت چنین ارتشی را دارد که به‌زور اسلحه مستقر شده باشد. در ایران یک حکومت همه امکانات اقتصادی را در کنترل خود دارد و سود حاصله از تولید و فروش محصولات تولیدی مستقیماً به نیروی اشغالگر منتقل می‌شود. از این نظر می‌توان گفت جمهوری اسلامی درست به شیوه ارتش‌های اشغالگر عمل می‌کند.

نابودی طبیعت و گسترش فقر و فلاکت عمومی و همه مصائب دیگر در این سیستم در خدمت بقا این جانیان حاکم است. اما باین‌وجود رژیم حاکم فقط سطح خیابان‌ها را کنترل می‌کند. وسیع‌ترین مقاومت مدنی و مبارزه برای زندگی بهتر و انسانی علیه جمهوری اسلامی در جریان است. هیچ بخشی از جامعه ساکت نیست

و روحیه جنگندگی از سطح تا بطن جامعه به نفع مردم و به زیان حکومت است. اشغالگران در ایران از خارج از مرزها نیامده‌اند. یک طبقه منحط با یک فرهنگ عقب‌مانده ضد زندگی از درون به جان مردم افتاده است. اما ماشین جنگی رژیم به گل خواهد نشست. مردم رژیم اسلامی را با وسیع‌ترین همدلی‌ها و همبستگی‌های مبارزاتی و با خواست‌های رفاهی و سیاسی روشن و انسانی در هم خواهند شکست. برای پیروزی سریع‌تر باید نیروی بیشتری گردآوری کنیم. اعتصابات و اعتراض این چند ماه گذشته و مقاومت عمومی زنان علیه حجاب اسلامی، در کنار اعتصاب عمومی در کردستان همین امروز در مسیر این پیروزی درخشان انقلاب زندگی آزادی در حرکت است. با مختصاتی که برشمرده شد، در ایران یک قدرت دوگانه حاکم است. قدرت نظامی حکومت و قدرت اجتماعی مردم که در نبرد با هم به سر می‌برند. مندرج در ژورنال شماره ۸۳۵

## تجمع معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ و بازنشستگان مخابرات

شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد

امروز بیست و ششم شهریور جمعیت بزرگی از معلمان بازنشستگان ۱۴۰۲ در تهران بنا بر فراخوانی از قبل اعلام شده تجمع کردند و دست به اعتراض زدند. این معلمان در اعتراض به اجرایی نشدن کامل رتبه بندی و همسان سازی و پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت و خلف وعده های داده شده برای چندین بار است که در مقابل سازمان برنامه و بودجه تجمع می‌کنند و پیگیر مطالباتشان می‌شوند. اعتراض این بازنشستگان همچون بخش‌های دیگر بازنشستگان به فقر و تبعیض و سطح نازل حقوقها و به بساط فساد و چپاولگریها و سرکوبگری‌های حکومت است. یک خواست همه بازنشستگان درمان رایگان است.

در این روز بازنشستگان مخابرات نیز همچون دوشنبه‌های هر هفته برای پیگیری مطالبات خود در شهرهای مختلفی تجمع کردند. بنا گزارشات تا کنونی این تجمعات در این هفته در شهرهای تبریز، اصفهان، مریوان، سنندج، اهواز، بیجار و... برگزار شدند.

در تبریز بازنشستگان با شعار "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" بر اتحاد طبقاتی کارگران تاکید کردند. در اهواز بازنشستگان با شعار "تا حق خود نگیریم، از پا نمی‌نشینیم" بر تداوم اعتراضاتشان تاکید کردند.

بازنشستگان مخابرات علاوه به عدم اجرای آیین نامه سال ۸۹ که اندک بهبودی در وضعیت حقوقی شان ایجاد میکند و نیز عدم افزایش سهم بیمه تکمیلی شان از بیست درصد به پنجاه درصد اعتراض دارند. دو نهاد دزد "بنیاد تعاون" و "ستاد اجرایی فرمان امام" که گردانندگان سران رده بالای حکومت تا بیت خامنه ای هستند، سهامداران اصلی و غارتگران مخابرات و ستاد اجرایی امام هستند.

حزب کمونیست کارگری ایران-۲۶ شهریور ۱۴۰۳، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۴

## زنده باد انقلاب انسانی برای زندگی انسانی!

دیگر نمی‌پذیریم که یک اقلیت مفتخور و بی‌منطق و بی‌خاصیت بر ما حکومت کند. در این جامعه دیگر جایی برای تحمیل دیکتاتوری و مفت‌خوری و اختلاس و فساد و حاکمیت قوانین مذهبی و اسلامی نیست.

انقلاب زن زندگی آزادی یعنی اراده و عزم و تلاش همه‌جانبه ما مردم برای آزادی تشکل و تحزب و اعتصاب، یعنی حق بی‌چون و چرای تک تک شهروندان به رفاه و امنیت و منزلت، یعنی برابری زن و مرد در تمام شئون اجتماعی، یعنی آزادی پوشش و آزادی تفکر و آزادی بیان. همه اینها را بی‌کم و کاست ما با ادامه انقلابمان به کرسی خواهیم نشاند و جامعه‌ای نمونه وار و آزاد را برپا خواهیم کرد.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران

شهریور ۱۴۰۳

